

شجرات الوح
درباره فضائل اخلاق

مکتبہ اسلامیہ
۱۳۳۳

مؤسسه ملی مطبوعات امری
۱۳۱۰ بیع

هوالتّاصح العزیز الحکیم

نظر باینکه بهترین طراز برای زینت هیاکل انسانیّه
تخلّق به اخلاق و شیم رحمانیّه و اتّصاف به خصائص
و آداب ملکوتیّه است بقوله تعالی :
" طراز سوم فی الخلق انه احسن طراز للخلق لـدی
الحقّ " .

از این نظر بفحوای آیّه شریفه " اغتمسوا فی بحر
بیانی لعلّ تطلّعون بما فیّه " در دریای بیکران آثار
الهیّه و کلمات مقدّسه ربّانیّه خوض بعمل آمو—
و جواهر زواهر و لثالی ثمینه ای از نصوص مبارکه در باب
صفات ممدوحه و فضائل و کمالات رحمانیّه استخر—راج
گردید که زینت بخش این اوراق میگردد ؛ باشد که—
متمسکین به اسم اعظم و مستظّلین در ظلّ شریعت غرّای
جمال قدم جلّ اسمہ الاکرم بقمیص تقدیس مزین گردند
و به اعمال طیّبه و سجایای راضیه مرضیّه بنصرت امر
حضرت مالک البریّه قیام نمایند و مداسن قلوب اهل عالم
را بجنود تقوی و صدق و صفا مسخر سازند .
حقّ جلّ جلاله میفرماید قوله العزیز :

" طوبی از برای نفوسی که الیوم به اخلاق
روحانیّه و اعمال طیّبه به نصرت امر مالک
بریّه قیام نمایند " .

لجنه ملّی مطالعه و تحقیق

**

*

احتراز از غیبت و عیبجوئی

" آثار قلم اعلیٰ "

- (۱) یابن الوجود کیف نسیت عیوب نفسک و اشتغلت
بعیوب عبادی من کان علی ذلك فعليه لعنة
مّسی . مجموعه^۱ الواح مبارکه صفحه^۲ ۱۰۲
- (۲) یابن الانسان لا تنفس بخطاء احد ما دمت
خاطئا وان تفعل بغير ذلك طمعون انت وانا
شاهد بذلك . مجموعه^۱ الواح مبارکه صفحه^۳ ۱۰۳
- (۳) یابن الوجود لا تنسب لنفس ما لا تحبه لنفسك
ولا تقل ما لا تفعل و ذلك امری عليك فاعمل به .
مجموعه^۱ الواح مبارکه صفحه^۳ ۱۰۳
- (۴) ای رفیق عرشی بد مشنوو بد مبین و خود را ذلیل
مکن و عویل بر میار یعنی بد مگو تا نشنوی و عیب
مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید و ذلت
نفسی میسند تا ذلت تو چهره نگشاید پس با دل
پاک و قلب طاهر و صدر مقدّس و خاطر منزه در
ایّام عمر خود که اقل از آنی محسوب است فارغ
باش تا بفرغت از این جسد فانی به فردوس معسانی
راجع شوی و در ملکوت باقی مقرّ یابی . مجموعه^۱ الواح

مبارکه صفحه ٨٥

٥) ای مهاجران لسان مخصوص ذکر من است به غیبت میلائید و اگر نفس ناری غلبه نماید به ذکر عیوب خود مشغول شوید نه بغیبت خلق من زیرا که هرگدام از شما بنفس خود ابصر و اعرفید از نفوس عباد من .

مجموعه الواح مبارکه صفحه ٩١

٦) در وصایای الهی مذکور لسان از برای ذکر رحمن خلق شده زینهار او را بکلمات مظاهر شیطان میلائید لسان مشرق انوار صدق است او را مطلع کلمات کذب نمائید لسان مخزن بیان و ثنای من است او را به ذکر این و آن مشغول مسازید .

کتاب بدیع چاپی صفحه ١٣

٧) و از تکلم بیفایده احتراز کند چه زبان نار نیست افسرده و کثرت بیان سمی است هلاک کننده نار ظاهری اجساد را محترق نماید و نار لسان ارواح و افئده را بگدازد اثر آن نار به ساعتی فانی شود و اثر این نار بقرنی باقی ماند .

از کتاب اخلاق بهائی صفحه ١٦٩

احتراز از غیبت و عیبجوئی

" حضرت عبدالبهاء "

۸) عبدالبهاء تا تواند دیده خطاپوش خواهد و ستر نماید زیرا بیش از کلّ خود را گنهگار بیند و عاجز و قاصر در عبودیت پروردگار لهذا چون بقصور خویش مشغول به خطیئات دیگران نپردازد و همواره طلب عفو و غفران نماید این نه از غفلت است بلکه چون بقصور خود معترفم و بحال خود ملتفت تعرض به دیگران ننمایم .

از کتاب " حیات بهائی " صفحات ۱۷۶ و ۱۷۷

۹) ای بنده صادق الهی انسان چنانکه مرقوم فرمودی باید تصور در خود بیند نه دیگران بلکه در حق دیگران باید خطاپوش باشد و در هر نفسی تحرّی کمالات نماید نه نقائص و از کمالات آن شخص دم زند نه قصور و نواقص من در تو کمال بینم نه نقص و صفات حمیده مشاهده کنم

نه بالعکس . از کتاب " حیات بهائی " صفحه ۱۷۶

۱۰) بعضی از احباب در سرّ سرّ مذمت یاران دیگر

نمایند و اساس غیبت را در نهایت مقانت وضع

نمایند و اسمش را دلسوزی امرالله گذارند البته

کتاب شفاء در بیان غیبت

کمال مواظبت را داشته باشید و جمیع را منع صریح نمائید زیرا هیچ خصلتی مضرتر از صفت عیجیوئی نه علی الخصوص به امرالله ابداً نباید نفسی کلمه اشاره غیر لایق نسبت به احدی از احباء الله اظهار دارد عجت من اشتغل بعیوب الناس و هو غافل عن عیوب نفسه . سلسله روحانیان است نهایت دقت را در منع از ایمن خصلت نمائید و ابدانگذارید احدی جز ستایش از زبانش جاری گردد .

کتاب " حیات بهائی " ۱۷۶

(۱) ای یاران الهی اگر نفسی غیبت نفسی نماید این واضح و مشهود است که ثمری جز خمودت و جمودت نیارد اسباب تفریق است و اعظم وسیله تشتیت اگر چنانچه نفسی غیبت دیگری کند مستمعین باید در کمال ورحانیت و بشاشت او را منع کنند که از این غیبت چه ثمری و چه فایده آیا سبب رضایت جمال مبارک است یا علت عزت ابدیه احبای الهی ؟ آیا سبب ترویج دین الله است و یا علت تثبیت میثاق الله ؟ نفسی مستفید گردد یا شخصی مستفیض ؟ لا والله بلکه چنان

غبار بر قلوب نشیند که دیگر نه گوش شنود و نه چشم حقیقت را بیند ولی اگر نفسی بستایش دیگری پردازد و به مدح و ثنا لسان بگشاید مستمعین به روح و ریحان آیند و به نفحات الله مهتز گردند قلوب را فرح و سرور آید و ارواح را بشارت احاطه کند .

کتاب " حیات بهائی " صفحه ۱۷۵

(۱۲) بدترین خلق انسانی و گناه عظیم غیبت نفوس است علی الخصوص صدورش از احبای الهی اگر نوعی میشد که ابواب غیبت مسدود میشد و هر یکی از احبای الهی ستایش دیگران را مینمود آنوقت تعالیم حضرت بهاء الله نشر مییافت قلوب نورانی میگشت روح ها ربانی میشد عالم انسانی سعادت ابدی مییافت امیدم چنانست که احبای الهی بگلی از غیبت بیزار شوند و هر یک ستایش یکدیگر نمایند و غیبت را سبب نقت الهی دانند تا به درجه رسد که هر نفسی اگر کلمه غیبت نماید در بین احبای رسوا شود زیرا مبعوض ترین اخلاق عیجوتی است باید تحریر مدایح نفوس نمود نه تجسس عیوب نفوس بقدر امکان باید از عیوب چشم پوشید و از کمال نفوس

بحث کنید نه از نقائص آنها.

از کتاب حیات بهائی صفحات ۱۰۲ و ۱۰۳

(۱۳) از بهائی نفسی به مذمت دیگری لب‌نگشاید وغیبت

را اعظم خطا در عالم انسانی داند زیرا در جمیع

الواح بهاء الله مصرح است که غیبت و بدگوئی

از دسائس و وسوسه شیطانی است و هادم بنیان

انسانی شخص مؤمن مذمت نفسی از بیگانگان نکند

تا چه رسد از آشنایان وغیبت دشمن ننماید تا

چه رسد به مذمت دوست وغیبت صفت سقیم الافکار

است نه ابرار و خودپسندی از خصائص اغیار

است نه یار. از کتاب "حیات بهائی صفحات ۱۰۳ و ۱۰۴

(۱۴) هر نفسی را باید نظر بآنچه در او مدوح است

نمود در این حالت انسان با جمیع بشر الفت تواند

اما اگر به نقائص نفوس انسان نظر کند کار بسـیـار

مشکل است. "حیات بهائی صفحه ۱۰۴"

(۱۵) خاطری نیازارید و کلمه سوء بر زبان نرانید اگر

از کسی فضائل عالم انسانی و سلوک در رضای الهی

مشاهده کنید تمجید کنید و الا صمت و سکوت

اختیار نمائید.

کتاب "امر و خلق جلد ۳" صفحه ۱۸۵

احتراز از غیبت و عیب جوئی

” حضرت ولیّ امرالله ”

(۱۶) تعالیم بهائی در هیچ مورد به اندازه لزوم اجتناب از عیب جوئی و غیبت مؤکد و الزام آور نیست ما باید با کمال جدیت در صد کشف و قلع و قمع عیوب خود برآئیم و بر نقائص خود فائق آئیم .

از کتاب ” نمونه حیات بهائی ” صفحه ۱۰ .

(۱۷) همینکه عیب جوئی و کلمات درشت و ناروا بین يك جامعه بهائی بروز کند علاجی جز آن نیست که گذشته را فراموش کرده طرفین اختلاف را ترغیب و تشویق نمایند که فصل جدیدی در روابط خویش آغاز کنند و از ذکر مسائلی که منجر به سو تفاهم و اختلاف گشته برای رضای خدا و امر مبارک اجتناب نمایند .

از کتاب ” اخلاق بهائی ” صفحه ۸۶

اخلاق و اعمال حسنه

" آثار قلم اعلى "

(١٨) قل يا قوم تخلّقوا باخلاق الله ثم زينوا
انفسكم وهياكلكم باثواب العلم والارباب
ثم المغفور الانصاف وكونوا متحداً على امر الله
وسننه . كتاب خطى ١٤ صفحة ١٤٣

(١٩) يا قوم تخلّقوا باخلاقى وزينوا هياكلكم باثواب
العلوم والارباب وكونوا شهداء بين عباده كذلك
قضى الامر من لدن ربكم طوبى لمن اقبل اليه
وكان من الفائزين . لوح سحاب صفحه ٢٢٤

(٢٠) قل ان اتحدوا فى كلمتكم واتّفقوا فى راء يكتم
واجعلوا اشراكلهم افضل من عشيتكم وغدكم احسن
من امسكم فضل الانسان فى الخدمة والكمال
لا فى الزينة والثروة والمال اجعلوا اقوالكم مقدّسة
عن الزيف والهوى واعمالكم منزّهة عن الريب والرياء .

لوح حكمت صفحه ٣٨

(٢١) يا ابن الوجود رضوانك حبّى وجنتك وصلّى فادخل
فيها ولا تصبر هذا ما قدر لك فى ملكوتنا
الاعلى وجبروتنا الاعلى .

(٢٢) يا ابن الروح ما قدر لك الراحة الا باعراضك
عن نفسك واقبالك بنفسى لانه ينبغى ان يكون
افتخارك باسمى لا باسمك واتكالك على وجهى
لا على وجهك لانى وحدى احب ان اكون
محبوباً فوق كل شئى .

(٢٣) قدسوا يا قوم صدوركم عن الفل والحسد ثم
انظاركم عن كل حجب ورمد لتشهدوا صنع الله
الذى اتقن خلق كل شئى فى هذا اللوح المقدس
المطهر المجدد . كتاب خطى ١٤ صفحه ١٤٤

(٢٤) طراز سوم فى الخلق انه احسن طراز للخلق
لدى الحق زين الله به هياكل اوليائه لعمرى
نوره يفوق نور الشمس و اشراقها هرنفسى به آن
فائز شد او از جواهرهاى خلق محسوست عزت
ورفعت عالم به آن منوط و معلق خلق نيك سبب
هدايت خلق است بصراط مستقيم و نبيا عظيم

نیکوست حال نفسی که بصفات و اخلاق ملاء اعلى
مزیّن است . کتاب اشراقات صفحه ۱۵۱

(۲۵) ای امین اگر ناس به آداب و اخلاق
ربّانیه که در الواح منزله ثبت شده عامل
می گشتند هر آینه مشاهده مینمودی
من علی الأرض را مقبلاً الى الله ربّك
وربّ العالمین . لوح امین ص ۲۵۰ کتاب بین

(۲۶) از شئون انسانیت در هیچ احوال خارج نشوید
اخلاق و اطوار سباع و وحوش را به اهلش
وا گذارید بشنوید و نگوئید عطانمائید
و در صد اخذ عطا نباشید انشاء الله امام وجوه
هریک از شما علم عدل و رایت عقل مشاهده شود
و البتّه از این اعمال پاک و اخلاق پاکیزه طاهره
انوار عدل که از ظلم ظالمین محجوب و مستور است
به اسم الهی اشراق نماید اذا ترون الارض غیر
الارض و تنطق الدّرات باعلی النّداء قد انار افق
العدل بشمس ذکر ربّنا المقدر الظاهر السّمیع
البصیر . کتاب خطی شماره ۴ صفحه ۲۹۸

(۲۷) در عالم بشریت هیچ شیئی چون اخلاق و اطوار و دانائی نفوذ و سرایت نداشته زیرا قوت الهیه مؤید آن عزت ابدیه و عالم وجود تشنه این زلال سلسبیل الهیه است. از کتاب استنساخ آیات شماره ۴ صفحات ۲۴۸ و ۲۴۹

(۲۸) برکّ لازم است که به اخلاق پسندیده و اعمال حسنه و افعال طیّیه ظاهر شوند و آن نفوس که خود را به رحمن نسبت دهند و به اعمال شیطان عاملند البتّه حقّ از چنین نفوس منزّه و مقدّس بوده و خواهد بود. کتاب خطی شماره ۱۴ ص ۱۵

(۲۹) محبوب عالم در سجن اعظم جمیع را نصیحت میفرماید به اموری که سبب و علّت ارتفاع آن نفوس و ماینبغی لئلا نسان است باید کّل به سمع قبول اصفاء نمایند ای دوستان اخلاق حسنه و اعمال مرضیه و شئونات انسانیّه سبب اعلاء کلمه الله و ترویج امر بوده و خواهد بود لذا بر هر نفسی لازم و واجب که الیوم به معروف تمسّک جوید و از منکر اجتناب نماید بسی از نفوس ادعای ایمان نموده اند و از افعالشان ذیل اطهر انور مالک قدر بین بشر

آلوده شد . کتاب خطی ۱۱

(۳۰) یا حزب الله ناصر و معین و جنود حق در
زیر و الواح بمثابه آفتاب ظاهر و لائحه
آن جنود اعمال طیبیه و اخلاق مرضیه بوده
و هست هر نفسی الیوم به جنود اخلاق و تقوی
نصرت نماید و لله و فی سبیل الله بر خدمت
قیام کند البتّه آثارش در اشطار ظاهر و هویدا
گردد . اشراقات صفحه ۲۸۰

(۳۱) یا ورقا عليك رحمتی از حق بطلب کّل را
به قمیص تقدیس مزین فرماید و مؤید نماید بر
آنچه سبب ظهور و بروز سجایای انسانیت مع آنکه
در زیر و الواح و صحف و کتب نزاع و فساد
کّل نهی شده و به محبت و مؤدّت و امانت و اصلاح
امر محکم نازل گشت اکثری الی حین در ریب
و شبهه مشاهده میشوند در لیلی و ایام لسان
بذکرد و ستان مشغول و به اعمال و اخلاقی که سبب
رفعت و علّت عزّت و علوّ و سموّ کلمه علیاست ناطق
طوبی للعاطمین و طوبی للمعارفین .
از کتاب مائده آسمانی جزء ۴ صفحه ۲۶۴

(۳۲) امروز اخلاق و اعمال ناصر و معینند باید
 آن جناب گل را به طراز اخلاق مرضیه و اعمال
 طیبه بیاریند و بعدل و انصاف متذکر دارند .
 کتاب اقتدارات لوح عندلیب صفحه ۱۵

(۳۳) قلم اعلیٰ حزب الله را وصیت میفرماید و به محبت
 و شفقت و حکمت و مدارا امر مینماید مظلوم
 امروز مسجون ناصر او جنود اعمال و اخلاق بوده
 نه صفوف و جنود و تفنگ و توپ يك عمل پاك عالم
 خاك را جنّت علیا نماید ای دوستان به اخلاق
 مرضیه و اعمال طیبه حقّ جلّ جلاله را نصرت
 نمائید الیوم هر نفسی اراده نصرت نماید باید بماله
 ناظر نباشد بل بما عند الله لیس له ان ینظر الی
 ما ینفعه بل بما ترتفع به کلمة الله المطاعه قلب
 باید از شئونات نفس و هوی مقدّس باشد چه که
 سلاح فتح و سبب اولیّه نصر تقوی الله بوده و
 هست اوست درعی که هیکل امر را حفظ میکند
 و حزب الله را نصرت مینماید لزال رایت تقوی مظهر
 بوده و از اقوی جنود عالم محسوب بها فتح المقربون
 مدن القلوب باذن الله ربّ الجنود .

(۳۴) در جمیع آنچه از سما^ء مشیت نازل و ارسال میشود جمیع را به معروف امر مینمایند و از منکر نهی میفرمایند شخص انسان باید به اخلاق روحانیه و اعمال و افعال طیبه[ٔ] طاهره مزین باشد هر نفسی به این مقام فائز نشود او از انسان محسوب نه حق انصاف عنایت فرماید تا به بصر اطهر و قلب انور در آثار قلم اعلی ملاحظه نمایند . کتاب خطی ۱۱ صفحه[ٔ] ۱۶۶

(۳۵) جنده الله اعمال طیبه[ٔ] طاهره و اخلاق مقدسه[ٔ] مرضیه بوده و هست و سردار این جنود تقوی الله . کتاب اشراقات صفحه[ٔ] ۱۵

(۳۶) قل یا حزب الله به یقین مبین بدانید فساد و نزاع و قتل و غارت شأن درندگان ارض است مقام انسان و شأنش به علم و عمل است در اکثر الواخ عباد را از ما یضرهم منع و بما ینفَعهم امر نمودیم یا حزب الله با جمیع احزاب عالم به محبت و موّدت معاشرت نمائید فساد و شیئونات آن طرّاً نهی شده نهیاً عظیماً فی کتاب الله ربّ العالمین . کتاب اشراقات صفحات ۱۴ و ۱۵

(۳۷) امروز جنرال الله تفوسى هستند که به اعمال
و اخلاق و حکمت و بیان خلق را آگاه کنند و به افق
دوست یکتا راه بنمایند . از لوح رضاقلی ص ۱۵۵

(۳۸) آسایش هنگامی دست دهد که هرکس خود را نیکخواه
همه روی زمین نماید . کتاب اخلاق بهائی ص ۶

(۳۹) کردار نیک گواه راستی گفتار است امید آنکه
اخیار به روشنی کردار گیتی را روشن نمایند .
کتاب اخلاق بهائی ص ۱۱

(۴۰) زینوا انفسکم بطراز الاعمال والذی فاز بالعمل
فی رضاه انّه من اهل البهائه لدى العرش مذکور .
کتاب اخلاق بهائی ص ۱۳

(۴۱) این ظهور از برای اجرای حدودات ظاهره نیامده
چنانچه در بیان از قلم رحمن جاری بلکه لاجل
ظهورات کمالیه در انفس انسانیه و ارتقائه
ارواحهم الى المقامات الباقیه و ما ینصدقه
عقولهم ظاهر و مشرق شده تا آنکه کل فوق ملک و
ملکوت مشی نمایند .

کتاب اخلاق بهائی صفحه ۱۴

(۴۲) جنود منصورهٔ این ظهور مکرر ذکر شد مجدّماً
ذکر مینمائیم فضلاً من لدی اللّٰه العزیز العلیم
اخلاق طیبّه روحانیّه و اعمال مرضیهٔ جنود امر
اعظمند لعمری این جنود اقوی از جنود عالم
شاهده میشود طوبی لعبد نصر ربّه بالاخلاق
فی الآفاق و طوبی لنفس عملت ما امرت به
فی الكتاب . فتوکپی محفظه آثار صفحات ۲۲۹ و ۲۳۰* ۴

(۴۳) جنودی اقوی از اعمال و اخلاق طیبّه نبوده و نیست
باید به این جنود مدائن قلوب را اخذ نمایند
این است معروف حقیقی که در کتب و صحف و زیر
حقّ جلّ جلاله مذکور و مسطور طوبی از برای نفسی که
به حبل فضل تمسّک نمود و به ذیل توکل تشبّث
اوست از رجالی که میفرمایند لا خوف علیهم و لا هم
یحزنون . فتوکپی محفظه آثار صفحات ۲۴۳ و ۲۳۰

(۴۴) بگو امروز روز خدمت و نصرت است و نصرت به
اعمال طیبّه و اخلاق مرضیه بوده و خواهد بود .
کتاب خطی ۱۸ صفحه ۴۳۴

(۴۵) (جناب میرزا علی محمد) اولیا[ؑ] اللّٰه را به آنچه

سزاوار یوم اوست از قبل و بعد امر نمودیم طوبی
از برای نفسی که بما اراده الله تمسک نمود و به
ذیل تقوی تشبث جست مکرر این کلمه از قلم اعلی
جاری انصروا ربکم بالاعمال والاخلاق از حَقِّ
میطلبیم نفوسی که الی الله هجرت نموده اند
ایشان را مؤید فرماید بر نصرت امر قسم به
آفتاب حقیقت نفوذ اعمال طیبه و اخلاق مرضیه
از نفوذ صفوف و جنود اعلی و اکثر است قوت و قدرتش
را قدرت جنود عالم ضعیف نماید از حَقِّ
میطلبیم اولیائش را مؤید فرماید بر اعمالی که سبب
اعلای کلمه اوست . محفظه آثار ۱۳۶۰ ص ۵۰۰۴

(۴۶) یا ابن ابهر قسم به انوار آفتاب حقیقت که از افق
سجن مشرق و لائح است ضرر اعمال شنیه که در
کتاب منع آن از قلم اعلی جاری شده به حق راجع
و همچنین سبب توقف ظهور امر است مابین عباد از حَقِّ
می طلبیم از بعد کل بما حکم به الله عامل شوند
شاید به کلمه رضا فائز گردند امروز جنود حق
و ناصرش اعمال و اخلاق است باید به این جنود افتده
و قلوب و صدور عباد را تصرف نمود قل خذوا التقوی

بایادی التّسليم والرّضا أنّه مددکم ورافعکم
وناصرکم و منجیکم من لدی اللّٰه ربکم وربّ الكرسي
الرّفيع . فتوکپی محفظه آثار صفحات ۱۲۷۱ و ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳

(۴۷) اخلاق مرضیه اجنحه قویّه اند از برای طیران
اولیاء در هوای محبت مولى الوری از حقّ سائل و آمل
که این عبد و سایر دوستان کلّ را به آن مزین فرماید
انّه هو السّامع المجیب . فتوکپی از محفظه آثار
صفحات ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ و ۱۱۱۴

(۴۸) (جناب حاجی محمد علی) کلّ امروز باید به حکمت
ناظر باشند و به اخلاق و اعمال طیبیه عامل
لعمری جنود الاعمال اقوی جنودی و الاخلاق
هی معین امری و ناصری . فتوکپی محفظه آثار
صفحات ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶

(۴۹) برکلّ لازمست که باخلاق پسندیده و اعمال حسنه
و افعال طیبیه ظاهر شوند و آن نفوسی که خود را
به رحمن نسبت دهند و به اعمال شیطان عاقلند
البتّه حقّ از چنین نفوس منزّه و مقدّس بوده
و خواهد بود انشاء الله لا زال در ظلّ عصمت الهی
محفوظ باشند و در سایه رحمت منبسطه اش مستریح .
الواح خطی ص ۶۶۹

۵۰) به صفاتم متصف شوید تا قابل ورود ملکوت عزم
شوید و در جبروت قدسم درآئید .
مجموعه بزرگ الواح چاپ مصر صفحه ۳۲۳

۵۱) مکرر گفتیم نصرتی که در کتب و صحف و الواح این
مظلوم مسطور به حکمت و بیان بوده و همچنین
به اعمال و اخلاق لعمرا لله اقوی جنود عالم اخلاق
مرضیه و اعمال طیبه بوده و هست سیف تقوی
احد از سیف حدید است لو کنتم تعلمون .
کتاب اشراقات صفحه ۲۱

۵۲) امری که در ظاهر و باطن سبب حفظ و منع است
خشیه الله بوده و هست اوست حارس حقیقی و حافظ
معنوی باید به آنچه سبب ظهور این موهبت کبری
است تمسک جست و تشبث نمود . لوح دنیا ۲۹۷

۵۳) اموری که الیوم سبب ارتفاع کلمه الله است اخلاق
است بگوای دوستان قلم رحمن میفرماید جهد
نمائید تا جمیع به اخلاقی که سبب علو مقام و عزت
است مزین شوید شما مدتی در ظل سدره بوده اید
و بیانات مظلوم را به گوش خود اصفا نموده اید

بگو امروز اعمال شایسته باید و اقوال پسندیده
شاید و هر عمل نیکی بنفسه مبلغ امر است شاهد
این مقال بیاناتی است که از قلم اعلی در الواح
ثبت شده . کتاب استنساخ آیات شماره ۱ صفحه ۱۶

۵۴) از حق می طلبیم اولیای خود را بطراز اخلاق
روحانیّه و اعمال حسنه طیبّه مزین فرماید تا اهل
ارض به سبب اخلاق و اعمال قصد مقام نمایند
و بما اراد الله فائز گردند .

استنساخ آیات شماره ۳ صفحه ۲۹۵

۵۵) یا عندلیب نامه ات رسید و نزد مظلوم
نکر شد و در ایام حزن سبب بهجت و سرور
گشت و این کلمه ات بسیار مقبول افتاد الهی
ببزار از آن طاعتم که مرا به عجب آورد و مایل
آن معصیتم که مرا به عذر آورد .

از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۱۵۱

۵۶) الیوم محبوب آنکه احبای الهی به اخلاق روحانی
در مابین عباد ظاهر شوند از هر نفسی روایح
ریحان اهل اکوان استشمام نمایند مدعیان محبت را
برهان لازم هرچه به لسان آید مقبول ساحت رحمن

نیفتد الیوم فعل مقدّم بر قول است پس جهد
نمائید تا از گل جوارح اعمال حسنه به ظهور آید
اگر نفسی دعوی نماید که از اهل رضوان ربّانیت
آن قول به مجرد ادّعا ثابت نشود بلکه صاحبان
شامه استشمام نمایند اگر استنشاق ریاحین نمودند
مقبول خواهد شد و الاّ مردود ای برادران صبر قلم
اعلی از ظنّین ذباب بسی ظاهر و ممتاز.

از کتاب استنساخ آیات شماره يك ص ۶۲

(۵۷) قلب و صدر را از ماء حیوان که از قلم رحمن
جاریست طاهر و مقدّس نمائید و به جنود اعمال
طیبّه و اخلاق مرضیه و کلمات الهیه به نصرت
مشغول شوید این است وصیّت حقّ جلّ جلاله
که در الواح از قلم اعلی جاری و نازل گشت
از جمله اتّحاد مقام است و اوست سبب قیام امر
و ارتفاع آن مابین عباد برتری و بهتری که به میان آمد
عالم خراب و ویران مشاهده گشت نفوسی که از بحر
بیان رحمن آشامیده اند و به افق اعلی ناظرند باید
خود را در یک صقع و یک مقام مشاهده کنند اگر این
فقره ثابت شود و بحول و قوه الهی محقّق گردد عالم

جَنّت ابهی دیده شود بلی انسان عزیز است
 چه که در کَلّ آیه حَقّ موجود و لکن خود را اعلم
 و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائست
 کبیر طوبی از برای نفوسی که بطراز این اتّحاد
 مزینند و من عند الله موفق گشته اند .
 و ۳۹۷
 ادعیه محبوب (لوح اتّحاد) صفحات ۳۹۵

۵۸) انسان به مثابه شجر است اگر به اثمار مزین
 گشت لایق مدح و ثنا بوده و هست و الا شجر بی
 ثمر قابل نارس است اثمار سدره انسانی بسویار
 لطیف و پسندیده و محبوب اخلاق مرضیه و اعمال
 حسنه و کلمه طیبیه از اثمار این شجره محسوب
 ربیع اشجار ظاهره در هر سنه ظاهر و مشهود و لکن
 ربیع اشجار انسانیّه ایّام ظهور حَقّ بوده اگر
 در این ربیع الهی سدره های وجود به اثمار مذکوره
 مزین شوند البتّه انوار آفتاب عدل من علی الارض را
 احاطه نماید و کَلّ وجود را فارغ و مستریح در ظلّ حضرت
 مقصود مشاهده کنند . کتاب خطی ۱۲ صفحه ۲۳۴

۵۹) یا علی چون نصرت امر را حَقّ جلّ جلاله
 وعظم کبریائش مقدّس نموده از نزاع و سلّ سیف

وامثال آن لذا باید به حبل اعمال طیبه و اخلاق روحانیّه تشبث نمود اگر نفسی لله به آنچه زکشد عمل نماید البتّه در عالم اثر کند و خرق حجبّات غلیظ نماید . کتاب استنساخ آیات شماره ۳ صفحه ۱۹۱

۶۰) بگو یا حزب الله به سیوف تقوی و اعمال طیبه و اخلاق روحانیّه حق را نصرت نمائید شاید ناراضغینه و بغضا که در صدور اهل مذاهب مشتعل است به امطار رحمت رحمانی و کوثر نصایح سبحانی خاموش شود .

کتاب استنساخ آیات شماره ۳ صفحه ۳۷۳

۶۱) ای دوستان شما از اوراد حدیقه معانی محسوبید جهد نمائید تا متضوع شود از شما آنچه که لایق و قابل است هر نفسی الیوم به اعمال طیبه و اخلاق مرضیه مزین شد از او متضوع میشود آنچه که جان را تقویت مینماید زینوا انفسکم بما امرتم به من لدی الله المشفق الکریم .

از کتاب استنساخ آیات شماره ۴ صفحه ۱۸۵

۶۲) انشاء الله باید اهل الله به عین حدیث و

قلب قوی و رجل مستقیم بر امرالله قائم باشند و با عباد به اخلاق روحانیّه رفتارکنند امروز اخلاق طیّیه و اعمال پسندیده ناصر امرالله بوده و خواهد بود و این فقره درمواقع متعدده از قلم نازل ازحقّ می طلبیم کّل بیابند و به آن عمل نمایند . کتاب خطی شماره ۴ صفحات ۲۸۹ و ۲۹۰

(۶۳) باید اهل بهاء که به اسم قیّوم ازرحیق مختوم آشامیده اند به موعظه حسنه و اعمال طیّیه و اخلاق مرضیه حقّ را نصرت نمایند قل هذا جندالله لو انتم تعلمون و هذا امرالله لو انتم تفقهون قل ان قائد عساکری تقوی الله لو انتم تشعرون نصرت و ظفر در این ظهور اعظم به جنود مذکوره مقدرگشته طوبی للماملین و طوبی للفاضلین به شأنی این فقره در الواح از قلم اعلی نازل شده که انسان از احصای آن به زحمت می افتد هذا هو الحقّ و ما بعده الا الضلال . کتاب خطی شماره ۲ صفحه ۲۹۲

(۶۴) به اخلاق و اعمال و رفق و مدارا اهل امکان را به مدینه رحمن کشانند باید مدعی

محبّت الهی الیوم بجمیع شئون از دوشش ممتاز
 باشد قبول امر و اعتراف به حقّ محضی ادّعا
 نبوده و نیست . چنانچه جمیع ناس الیوم مدّعی
 این مقامند و لکن لسان العظمة یشهد بکذبهم
 و افتراءهم و غرورهم و غفلتهم و خیانتهم
 ای دوستان خالصاً لله حرکت نمائید و لوجه الله
 تکلم کنید کلمه ای که لله از سماء قلب حرکت
 نماید و از افق لسان اشراق کند البتّه مؤثّر
 خواهد بود از تأثیرات اعمال غافل نباشید
 لعمرالله اگر نفسی به تأثیرات اعمال و اقوال
 طیّیه و خبیثه مطلع شود ابداً به هیچ مکروهی
 التفات ننماید و جز خیر محض و معروف صرف
 از او ظاهر نشود .

از کتاب خطی شماره ۶ صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸

۶۵) مقام انسان بلند است اگر به انسانیت
 مزین و الا پست تر از جمیع مخلوق مشاهده
 میشود بگو ای دوستان امروز را غنیمت
 شمیرید و خود را از فیوضات بحر تعالی
 محروم نمائید از حقّ می طلبیم جمیع را

بطراز عمل پاك و خالص در این یوم مبارك
مزیّن فرماید انه هوالمختار.
از کتاب " امر و خلق جلد سوم صفحه ۱ "

(۶۶) و معنی مواسات که در کتاب الهی نازل
شده این است که هر يك از مؤمنین و سایرین
را مثل خود مشاهده نمایند یعنی خود را
اعلیٰ نشمرند و اغنیا فقرا را از مال خود
محروم نمایند و آنچه از برای خود از امورا
خیریه اختیار کنند از برای سایر مؤمنین
هم همان را اختیار کنند این است معنی
مواسات و این مواسات در کتب الهی اوقبل
و بعد محبوب بوده و هست .
از کتاب " امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۵۶ "

~~~~~

## اخلاق و اعمال حسنه

" حضرت عبد البهاء "

( ۶۷ ) اليوم الزم امور تعديل اخلاق است و تصحيح اطوار و اصلاح رفتار بايد احبّاي رحمن به خلق و خوئی در بين خلق مبعوث گردند كه راعهء مشگبار گلشن تقدیس آفاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده كند زیرا مقصود از جلیوه الهی و طلوع انوار غیب غیرمناهی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق من فی الوجود .  
از جزوه تجزیه آیات صفحه ۲۸

( ۶۸ ) امروز دو چیز از لوازم احبّای الهی است اول تحسین اخلاق و نورانیت صفات و رحمانیت اطوار ثانی نشر نفعات و ترویج حسنات و از خصائص تعديل اخلاق صداقت و وفا و امانت و تقوی است البته در این دو امر عظیم نهایت همت را مجری دارید فوالله الذی لا اله الا هو اليوم خدمتی به امر الله اعظم از تخلّق به اخلاق نیست و ضرری به دین الله اعظم از صفات قبیحه نه البته نفسی

ضربتی برهیکل عبدالبهاء زند گواراتر از این است  
 که عطی از او صدور نماید که مخالف منقبت عالم  
 انسانی باشد زیرا این زخم را مرهم و این ضریت  
 را التیام میسر اما آن جرح عظیم را التیامی نه  
 و آن سمّ نقیع را دریاقی نیست نهایت اهتمام  
 در این امور لازم .

از آهنگ بدیع سنه ۱۲۵ سال ۲۳

صفحات ۱۲۶ و ۱۲۷

(۶۹) ای یاران الهی ابرکثیفی که الیوم حائل و مانع  
 درخشنده‌گی شمس حقیقت است غمام نفس و هوی است  
 و سحاب کبر و غرور بلها و آنچه سبب بزرگواری عالم  
 انسانی است خضوع و خشوع است و محویت و فنا  
 تذلل و انکسار تاج و هجاج عبدالبهاء است و  
 محویت و نیستی بی منتهی اکلیل جلیل این بنده  
 حضرت کبریا ما باید گل از وصف وجود فانی گردیم  
 بلکه نیست و مفقود شویم تا سزاوار الطاف و عنایت  
 خداوند بیچون گردیم هر یک غبار رهگذر جمیع احبا  
 شویم و خادم حق و هادم بنیان نفس و هوی .

از کتاب " حیات بهائی " صفحه ۱۵۸



( ۷۰ ) مقصود اینست که اسّ اساس الهی اخلاق رحمانی است که زینت حقیقت انسانی است و علم و دانش است که سبب ترقّی عالم بشریّت است در این قضیه باید احبّای الهی نهایت اهمّیت و غیرت را مبذول دارند . از مکاتیب جلد اول صفحه ۴۰۶

( ۷۱ ) ای بنندگان آستان مقدّس الهی شمس حقیقت از افق عالم اشراق فرمود و در قطب آفاق در نقطه احتراق بدرخشید تا جهان را روشن نماید و جهان ملکوت تشکیل فرماید و بنیان کمالات انسانی تأسیس نماید رذائل را بنیاد براندازد و فضائل را بنیان برافرازد لهذا نصائح و وصایای فرمود و شریعت سمحه بیضائی تأسیس کرد که کافل نورانیّت عالم انسانی است و ضابط عفت و عصمت و استقامت احبّای رحمانی .

از مکاتیب جلد ۲ صفحه ۱۱۳

( ۷۲ ) و ان جملة تعالیم بهاء الله مواسات بین بشر است و این مواسات اعظم از مساوات است و آن این است که انسان خود را بر دیگری ترجیح ندهد بلکه جان و مال فدای دیگری کند اما نه بعنف و جبر

که این قانون گردد و شخصی مجبور بر آن شود بلکه باید به صرافت طبع و طیب خاطر مال و جان فدای دیگران کند و برفقرا انفاق نماید یعنی به آرزوی خویش .  
از مکاتیب جلد ۳ ( لوح صلح لاهای ) صفحه ۱۰۷

( ۷۳ ) راحت و آسایش عالم آفرینش در تحسین اخلاق عمومی عالم انسانی است و اعظم وسیله بجهت تربیت اخلاق علو همت و توسیع افکار است باید عالم انسانی را به این منقبت عظیمه دعوت نمود انسان باید علویت همتش به این درجه باشد تا خدمت به اخلاق عمومی کند و سبب عزت عالم انسانی گردد . از مکاتیب جلد ۴ صفحات ۱۸ و ۲۰

( ۷۴ ) در این دور بدیع بعد از عرفان حق منیع اعظم فضائل عالم انسانی تحصیل علوم و فنون مادی و ادبی است لهذا باید احبای الهی در تحصیل سعی بلیغ نمایند ولی اس اعظم تحصیل تحسین اخلاق است . کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحات ۳۳۲ و ۳۳۳

( ۷۵ ) بهائی اینست که شب و روز بگوشد تادراتب وجود ترقی و صعود نماید و نهایت آرزوی هر يك

این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقیّات نامتناهیّه گردد و بقدر قسوه رحمت عالمیان شود و بقدر استعداد موهبت عالم انسانی گردد چون به این مواهب موفّق شود میتوان گفت که بهائی است و الا در این دور مبارک که فخر اعصار و قرون است ایمان عبارت از اقرار به وحدانیّت الهیّه نه بلکه قیام بجمیع شئون و کمالات ایمان است .

از کتاب " امر و خلق " جلد ۳ صفحه ۶

( ۷۶ ) خلاصه فوائد کلیه از فیوضات ادیان الهیه حاصل زیرا متدینین حقیقی را بر صدق طوبیت و حسن نیّت و عفت و عصمت کبری و رأفت و رحمت عظمی و وفای به عهد و میثاق و حریت حقوق و انفاق و عدالت در جمیع شئون و مروّت و سخاوت و شجاعت و سعی و اقدام در نفع جمهور بندگان الهی باری به جمیع شیم مرضیه انسانیّه که شمع روشن جهان مدنیّت است دلالت مینماید .

از رساله مدنیّه صفحه ۱۱۶

## اخلاق و اعمال حسنه

" حضرت ولی امرالله "

( ۷۷ ) اليوم اساس اعظم و میزان اکمل و اتم و فاروق  
 بین حق و باطل اخلاق است نه اقوال هر حزبی  
 که دارای آن باشد مؤید است و من لدی الحق  
 و هر طایفه ای از آن محروم باطل است و از فضل  
 و تائید الهی ممنوع نام و نشان دلیل و برهان  
 اگر مؤید و توأم به حسن روش و سلوک و اخلاق طیبه  
 مرضیه نباشد در این عصر مذموم و مطرود جهان  
 جهانیان است و حسن اخلاق کمالات و مظاهرش حسن  
 سلوک و رفتار و یگانگی و الفت و اتحاد و اتفاق و حسن  
 معاملات در جزئیات و کلیات و تعاون و تعاضد  
 مستمری صمیمی و محبت و خلوص نیت و صفای قلب  
 و طهارت نفس و صداقت و امانت مابه الامتیاز یاران  
 است . " کتاب اخلاق بهائی "

( ۷۸ ) و همچنین معرفت مظهر ظهور اگر ثمر و نتیجه اش  
 حسن سلوک و تزکیه اخلاق نباشد از نفوذ و تأثیر  
 محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابل اعتنا

نبوده و نیست چه که این معرفت معرفت حقیقی نه بلکه صرف توهم و تقلید است و همچنین حسن نیت و صفای قلب و راستی و صداقت اگر چنانچه از نورشناسائی حق محجوب ماند و به اقبال به مظهر ظهورش فائز نگردد بالمآل از قوه دافعه تأیید و امادات روح القدس که یگانه دافع هموم و کروب این عالم ظلما نیست ممنوع و از تأثیر دائمی و نتایج کلیه محروم .

( ۷۹ ) فتح و ظفر در این قرن انور نصیب مؤمن نیک رفتار است نه عالم بد کردار مواعظ علماء سوء که از مقصد دین غافلند و هنر و همت اهل علم و تقوی که از عرفان معلوم محجوبند هر دو اثرات و نتایجش در حیز ادنی محدود و فانی ولی ثمرات همم عالیّه هر مؤمن پرهیزکار بی پایان و باقی چه که ستمد از روح نبّاض آئین حضرت بهاء الله است و بنفثات روح القدس مؤید این است شرط وفا این است سرّ تبلیغ امر بهاء .

نقل از کتاب " اخلاق بهائی " صفحات ۱۸۹ و ۱۷۹ .

۸۰) یاران برگزیده<sup>۱</sup> ایران باید نظر به پستی محیط خود و دنو<sup>۲</sup> اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود ننمایند و راضی به امتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را به اوج مرتفع نمایند و نقطه<sup>۳</sup> نظرگاه را تعالیم و نصایح قلم اعلیٰ قرار دهند آن وقت معلوم شود از برای کُل دروادی سلوک<sup>۴</sup> مراحل عدیده باقی مانده و طی مسافت نکرده بسر منزل مقصود که تخلّق به اخلاق و شمیم الهیه است هنوز وارد نگشته ایم .

۸۱) ما که سالکان سبیل نجاتیم باید بتمام قوی بکوشیم تا در مجالسات و مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصد مان با تمام طبقات نفوس در امور جزئی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مود<sup>۵</sup> در تعالیم حضرت بهاء الله را به فعل اظهار و اعلان و اثبات کنیم و چنان جلوه ای نمائیم که بر کُل ثابت گردد که جز قوه<sup>۶</sup> جامعۀ روح حضرت بهاء الله هیچ امری دیگر تقلیب ماهیت ننماید و خلق جدید نکنند این است یگانه اسباب نجات و ظفر الهی . از کتاب اخلاق بهائی صفحات ۲۴۴ و ۲۴۵

۸۲) نفس دیگر نفس اماره است و آن میراث  
 مظلوم و حیوانیست که همه ما آن را داریم  
 و همان طبیعت دون انسانیت که میتواند  
 به دیو موحش خود پرستی خشنونت شهوت  
 و غیره تبدیل گردد این نفس اماره است  
 که می بایست علیه آن پیکار کنیم و این جنبه  
 منفی طبیعت ما است که باید با تمام قوی  
 بکوشیم تا آن را آزاد سازیم و در راه وصول  
 بکمال یاری کنیم یا اینکه لا اقل جنبه بهیمی  
 آمال و آرزوهای ناشی از آن را تابع  
 جنبه های عالی و ملکوتی شخصیت خود قرار  
 دهیم .

از کتاب " نمونه حیات بهائی " صفحات ۱ و ۲ و ۴

~~~~~

~~~~~

مم

آر ا ب اجتماع بهائی

آثار قلم اعلیٰ  
مممممممممممم

٨٣) احبّای الهی در هر جمع و محفلی که جمع شوند باید به قسمی خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر شود که ذرات تراب آن محل شهادت دهند به خلوص آن جمع و جذبۀ بیانات آن نفس زکیّه ذرات آن تراب را اخذ نماید نه آنکه تراب به لسان حال ذکر نماید انا افضل منکم .

کتاب امر و خلق جلد ٣ صفحه ١٤١



## آداب اجتماع بهائی

" حضرت عبدالبهاء "

مممممممم

( ٨٤ ) و اما در محافل منعقد شده باید بکلی مکالمات خارجه واقع نگردد بلکه مصاحبت محصور در ترتیل آیات و قرائت کلمات و اموری که راجع به امرالله است باشد قبل از دخول باید به نهایت نظافت آراسته و توجه بملکوت ابهی نموده در کمال خضوع و خشوع وارد گردند و در حین تلاوت صمت و سکوت کنند . از کتاب امر و خلق جلد ٣ صفحه ١٤٤

( ٨٥ ) بندهٔ پروردگارا نامه<sup>٤</sup> شمارسید از عدم مجال در جواب مجبور به اختصارم در حین تلاوت مناجات و ترتیل آیات باید مجلس در نهایت سکون و قرار باشد و تکبیر را حین ورود در اثناء<sup>٥</sup> ترتیل آیات باید در قلب گفت . کتاب امر و خلق جلد ٣ صفحه ٧٨

( ٨٦ ) .... احببای الهی مجتمع شوند و در نهایت محبت و روح و ریحان الفت نمایند و بکمال آداب و وقار حرکت فرمایند و ترتیل آیات الهی کنند و مقاله های مفیده قرائت نمایند و نامه های

عبدالبهاء بخوانند و یکدیگر را بمحبت جمیع بشر تشویق و تحریص نمایند و با کمال روح و ریحان مناجات کنند و قصائد و نعوت و محامد حسی قیوم تلاوت نمایند و نطقهای فصیح مجری دارند و صاحب منزل باید بنفس خویش خدمت یاران نماید و همه را دلجوئی کند و در کمال خضوع مهربانسی فرماید . نقل از کتاب "راهنمای محافل" .

( ٨٧ ) .... مقصود از این ضیافت الفت و محبت و تبتل و تذکر و ترویج مساعی خیریه است یعنی به ذکر الهی مشغول شوند و تلاوت آیات و مناجات نمایند و بایکدیگر نهایت محبت و الفت مجری دارند . کتاب گنجینه حدود و احکام صفحه ١٥٧

( ٨٨ ) در هر کور و دوری ضیافت مقبول و محبوب و تمهید مائده بجهت احببای الهی ممدوح و محمود علی الخصوص در این دور عظیم و کور کریم که نهایت ستایش را دارد زیرا از محافل ذکرالله و مجالس پرستش حق فی الحقیقه شمرده میشود چه که در مجالس ضیافت آیات الهیه تلاوت میگردد و قصائد و محامد و نعوت الهیه خوانده میشود و نفوس در

نهایت انجذاب مبعوث میگردد اصل مقصود  
این مسنوحات رحمانیه است .  
از کتاب گنجینه حدود و احکام صفحات ۱۵۷ و ۱۵۸

۸۹) دوستان را محفلی باید و مجمعی شاید کسه  
در آن مجامع و محافل به ذکر و فکر حق و تلاوت  
و ترتیل آیات و آثار جمال مبارک روحی لا حباه  
القداء مشغول و مألوف گردند و انوار  
ملکوت ابهتی و پرتو افق اعلی بر آن مجامع  
نوراء بتابد .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۱۴۲

مهممممممم

مهممم

## ا د ب

آثار قلم اعلى  
مممممممممممم

( ٩٠ ) انا اخترنا الادب وجعلناه سجيّة المقربين  
انه ثوب يوافق النفوس من كل صغير وكبير  
طوبى لمن جعله طراز هيكله ويل لمن جعل محروماً  
من هذا الفضل العظيم . لوح ملك باريس ص ٥٠  
كتاب مبين

( ٩١ ) زينوا يا قوم هياكلكم برداء العدل وانه  
يوافق كل النفوس لو انتم من العارفين وكذلك  
الادب والانصاف وامننا بهما فى اكثر الالواح  
لتكونن من العاطلين انه ما امرنسا الا بما هو  
خير لها وينفعها فى الآخرة والا ولى .  
لوح رضوان العدل صفحہ ١٠٧ . كتاب مبين

( ٩٢ ) لاتعروا انفسكم عن رداء الادب والانصاف  
ولا تتكلموا بما نهيتم عنه فى الواح ربكم المهيمن  
القيوم والذى جعل محروماً عن الادب انا  
لعمري ولو يلبس حرز الارض كلها وهذا قد نزل  
بالحق فى الواح عز محفوظ ومن لا ادب له لا ايمان له وبذلك  
يشهد ما نزل

فی البیان ان انتم تشهدون قد خلق الابد فی  
البیان لهذا الجمال و كذلك کل اسم خیر  
ان انتم تعرفون . کتاب بدیع چاپی صفحه ٢٠٥

( ٩٣ ) ان الحریة تخرج الانسان عن شعون الابد  
والوقار و تجعله من الارذالین .  
کتاب اقدس آیه ٣٠١

( ٩٤ ) ایاک ان لا تشرك بالله ربک ولا تفتخر علی احد  
وکن علی صراط الابد بین یدی ربک موقوفا .  
کتاب خطی صفحات ٤٠٧ و ٤٠٨

( ٩٥ ) ان یا احبائی زینوا اجسادکم برداء الابد و  
الانصاف و لا تفعلوا ما یکرهه عقولکم و رضاکم  
اتقوا الله و کونوا من المتقین . کتاب خطی ص ٤٨

( ٩٦ ) رعاية الابد الذی کان من احسن الصفات عند الله  
مالک الارضین و السموات . رحیق مختوم جلد دوم ص ٨٣

( ٩٧ ) الابد قمیصی و به زینا هیاکل عبادنا المقربین  
کتاب " اخلاق بهائی "

( ٩٨ ) کلمات اهل منظر اکبر مزین است به طراز ادب نسئل

( ٤٦ )

اللّٰه بان لا يجعلنا عريا من هذا الثوب الذي  
به يظهر قدرا لانسان بين ملاء الاكوان و امتيا زه  
عن الحيوان ثم نسئله بان يقربنا اليه و ينقطعنا  
عن دنسه و يطهرنا عن روائح الوهم و التقليد و يجعلنا  
من الذين قالوا اللّٰه ربنا استقاموا و ما منعهم استهزاء  
الخلائق اجمعين و لا شماتة الفاعلين .

نقل از كتاب بديع چاپي صفحات ٣٨٣ و ٣٨٤

( ٩٩ ) ادب از سجيّه انسان است و عند اللّٰه مقبول از حقّ  
بطلبيد عباد را از اين طراز مبارك منير محروم نفرمايد  
انّه هوالسّامع المجيب .

كتاب استنساخ آيات صفحه ٨٢

... ( ١٠٠ ) يا حزب اللّٰه شمارا به ادب وصيت مينمايم و  
اوست در مقام اول سيد اخلاق طوبي از براي نفسي  
كه به نور ادب منور و بطراز راستي مزين گشت  
داراي ادب داراي مقام بزرگ است اميد آنكه اين  
مظلوم و كلّ به آن فائز و به آن متمسك و به آن متشبث  
و به آن ناظر باشيم اين است حكم محكم كه از قلم  
اسم اعظم جاري و نازل گشته .

لوح دنيا صفحات ٢٩٠ و ٢٩١

( ١٠١ ) لا زال این غلام کلمه ای که مفایر ارب باشد دوست نداشته و ندارد .  
لوح رئیس فارسی صفحه ١١٣

( ١٠٢ ) ادب از سنجیه انسان است و به او ازدونش ممتاز و هر نفسی که به او فائز نشده البته عدش بر وجودش رجحان داشته و دارد و تو به مقری که اصل ادب مخصوص آن مقرر خلق شده معمول داشته ای آنچه را که هر ذی حیاتی از زکورش شرم دارد قد خرق حجاب ادبکم و حیائکم یا معشر الفاسقین .

کتاب بدیع چاپی صفحات ٢٠٤ و ٢٠٣

~~~~~

~~~~~

## ا د ب

” حضرت عبدالبهاء ”

۱۰۳) در آداب و اخلاق بیش از علوم و فنون  
 اهتمام نمایند زیرا ادب و نورانیّت  
 اخلاق مرّجّح است اگر اخلاق تربیت  
 نشود علوم سبب مضرتّ گردد علم  
 ودانش ممدوح اگر مقارن حسن آداب  
 و اخلاق گردد و الاّ سمّ قاتل است  
 و آفت هائل طبیب بدخو و خائن سبب  
 هلاک گردد و علّت انواع امراض  
 این قضیه را بسیار ملاحظه داشته  
 باشید که اساس دبستان اول تعلیم  
 آداب و اخلاق و تحسین اطوار و کردار باشد.

از جزوه تجزیه آیات صفحات ۱۳۱ و ۱۳۲

~~~~~

~~~~~



## امانت

" آثار قلم اعلى "

مممممممممم

١٠٤) طراز چهارم : فى الامانة انها باب  
الاطمينان لمن فى الامكان وآية العزة من  
لدى الرحمن من فاز بها فاز بكنوز الثروة  
والغناء امانت باب اعظم است از برای راحت  
واطمینان خلق قوام هر امری از امور به او منوط  
بوده و هست عوالم عزت و رفعت و ثروت به نورآن  
روشن و منیر . لوح طرازات صفحه ١٥٢

١٠٥) قل يا قوم زينوا لسانكم بالصدق و نفوسكم  
بالامانة اياكم يا قوم لا تخانوا فى شيعى و كونوا  
امناء الله بين بريّه و كونوا من المحسنين ان الذين  
يرتكبون البغى و الفحشاء اولئك ضل سعيهم و كانوا  
من الخاسرين . كتاب خطى شماره ١٤ صفحه ١١٧

١٠٦) شأن الانسان هو المحبة و الامانة و العفو و الوفا  
وما يظهر به تقديس ذاته بين الاحزاب .  
كتاب حكسى شماره ١٠ صفحه ١٢٨

۱۰۷) زینوا رؤسکم باکلیل الامانة والوفاء و قلوبکم  
برداء التقوی و السنکم بالصدق الخالص وهیاً  
بطراز الاداب کلّ ذلك من سجية الانسان لـ  
انتم من المتبصّرين . کتاب اقدس آیه ۲۹۲

۱۰۸) انا نوصی من توجّه الی الافق الاعلی  
بالامانة الكبرى و ما يظهر به انوار العدل فی  
قبائل الارض کلّها كذلك یأمرکم من عنده  
امّ الكتاب . کتاب اقدس بزرگ صفحه ۳۷۸

۱۰۹) امانت و حکمت و صدق فی الحقیقه طراز  
الله است مابین عباد و امین اثواب منیره به هـ  
هیکلی موافق طوبی للمعارفین طوبی للمفائزین .  
کتاب خطی صفحه ۷۵

۱۱۰) این حزب در مملکت هر دولتی ساکن شوند باید  
به امانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار نمایند  
هذا ما نزل من لدن آمر قدیم .  
مجموعه بزرگ چاپ مصر صفحه ۱۱۸

۱۱۱) بگوای مردمان در سایه داد و راستی راه روید  
و در سراپرده یکتائی در آئید . لوح مانگجی

مجموعه بزرگ چاپ مصر ص ۲۶۵

( ۱۱۲ ) باکمال عدل و انصاف با یکدیگر معامله کنید  
خیانت را به امانت و غیبت را به تزکیه نفس و ظلم  
را به عدل و غفلت را به ذکر تبدیل نمائید اینست  
نصح رحمانی که از فم بیان مشیت ربّانی ظاهر  
شده . از کتاب اقتدارات صفحات ۱۸۱ و ۱۸۲

( ۱۱۳ ) باید کلّ به نور هدایت و امانت و تقوی مابین  
عباد مضمینی و منیر باشند تا جمیع از آن سرج  
نورانیّه به شاطی بحر احدیّه اقبال نمایند .  
لوح امین صفحه ۳۰۱

( ۱۱۴ ) اگر احبّای الهی بطراز امانت و صدق و  
راستی مزین نباشند ضررش به خود آن نفوس و جمیع  
ناس راجع اولّا آن نفوس ابدی محل امانت کلمه الهیه  
و اسرار مکنونه ربّانیّه نخواهند شد و ثانسی  
سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و عن  
ورائها قهرالله و غضبه و عذاب الله و سخطه .  
کتاب اقتدارات صفحات ۱۶۸ و ۱۶۹

( ۱۱۵ ) موج دوم میفرماید : یا قوم امروز احسن طراز

عند الله امانت است فضل و عطا از برای نفسی  
که به این زینت کبری مزین گشته . لوح امواج ص ۳۶۳

( ۱۱۶ ) یا حزب الله قلمی الاعلی یوصی العباد بالامانة  
الكبرى لعمرالله نورها اظهر من نورالشمس قد  
خسف کل نور عند نورها و ضیاءها و اشراقها  
از حق می طلبیم مدن و دیارش را از اشراقات  
شمس امانت محروم نفرماید جمیع را در لیالی و ایام  
به امانت و عفت و صفا و وفا امر نمودیم طوسی  
از برای عاطمین . کتاب اشراقات صفحه ۱۴۰

( ۱۱۷ ) شخص انسانی را امانت به منزله سر و  
راستی به مثابه بصراست و اگر نفسی از این دو  
محروم شد به اسم حیوان مذکور خواهد شد .  
کتاب خطی شماره ۱۲ صفحه ۲۷۹

( ۱۱۸ ) از حق می طلبیم جمیع اولیای خود را بطراز  
امانت و دیانت و عفت مزین فرماید آنه هوالمقتدر  
المختار ینبغی لاهل البهاء ان یعظوا الناس باخلا<sup>قهم</sup>  
الطیبه و اعمالهم المرضیه . کتاب خطی شماره ۴  
صفحه ۵۰

( ۱۱۹ ) حَقِّ ظاهراً شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدّسه کَلِّ را مزین فرماید بگو بر خود و ناس رحم نمائید و امر الهی را که مقدّس از جوهر تقدیس است به ظنون و اوهام نجسۀ نالایقه نیالائید کتاب خطی شماره ۴ صفحه ۱۹۳

( ۱۲۰ ) تَمَسَّكُوا بِحَبْلِ الْمَدْلِ امراً من لدن مالك الفضل ثم امشوا على مشارق الارض بخضوع مبین صبر و سکون و وقار و صدق و صفا و امانت از صفات حقّ بوده و خواهد بود طوبی لمن تزین بصفاتهِ و طار فی هوائه و نطق بذکره الجمیل . کتاب خطی شماره ۱۱ صفحه ۱۰

( ۱۲۱ ) اگر امروز نفسی به طراز امانت فائز شود عندالله احبّ است از عمل نفسی که پیاده به شطر اقدس توجه نماید و به لقای حضرت معبود در مقام محمود فائز گردد امانت از برای مدینه انسانیّت به مثابه حصن است و از برای هیکل انسانی به منزله عیّن اگر نفسی از او محروم ماند در ساحت عرش نابینا مذکور

ووسطور است اگرچه در حدّت بصر مانند زرقاء یمامه  
باشد . مائده آسمانی جلد ۴ صفحه ۲۲۲

( ۱۲۲ ) آسمان امر الهی به آفتاب امانت روشن است  
به حبل امانت متمسک شو و به ذیل صداقت متشبّث  
این دو نیّر اعظمند که از افق اعلی طالع شده اند  
و در آسمان حکم سلطان امکان مشرق و مضيئند .  
انشاء اللّٰه به این مقام فائز شوی و به ذکر دوست نا  
گردی انّه لهوالذّاکرالناصح العزیز الحکیم .  
کتاب خطی شماره ۲ صفحه ۷۲

( ۱۲۳ ) بگو الیوم بر کلّ لازم است که به افق امر  
و مایظهر من عنده ناظر باشند و به تهذیب انفس  
خود مشغول گرد تا جمیع به طراز امانت و دیانت  
و صدق و صفا و اعمال حسنّه طیّیه و ما انزله اللّٰه  
فی الکتاب مزین و فائز گردند بعضی از نفوس  
غافله خود را به حقّ نسبت داده اند و سبب تزییع  
امر اللّٰه شده اند و از معروف گذشته ناس را به منکر  
دعوت نموده اند بگو ای دوستان الیوم کلمه طیّیه  
و اعمال خالصه محبوب است چه که غیر آن به سما قبول  
صعود نماید و مردود بوده و خواهد بود . کتاب خطی شماره ۶  
صفحات ۸۹ و ۹۰

( ۱۲۴ ) از حقّ می طلبیم گل را به طراز امانت که  
 احسن طراز عالم است مزین فرماید خدوا یا  
 عباد الله ما امرتم به من لدن ناصح علیهم .  
 کتاب استنساخ آیات شماره ۱ صفحه ۱۳۵

( ۱۲۵ ) ای دوستان امانت به مثابه آفتاب جهانتاب  
 است و آسمان او انسان و افقش قلب نیکو کسی که  
 این نیر اعظم را به ابرهای خیانت و دنائت ستر  
 نماید تا روشنائی آن جهان و جهانیان را روشن  
 نماید این است بخششی که از قلم اعلی ظاهر شده  
 طوبی للمتفکرین بگو امروز روز اعمال و افعال  
 است و ناصر امر فی الحقیقه عمل نیک و خلق نیکوست  
 نه جنود و سیوف . کتاب استنساخ آیات شماره ۱ ص ۱۹

( ۱۲۶ ) جمیع اماء باید به کمال امانت و صداقت و  
 استقامت بذکر الله و تألیف قلوب مشغول باشند لعمری  
 ان هذا لهوالمحبوب عند عزیز محبوب .  
 کتاب استنساخ آیات شماره ۵ ص ۳۵۶

( ۱۲۷ ) لا زال این مظلوم عباد را امر فرموده به آنچه  
 سبب ظهور نعمت و برکت الهی است باب شروت

امانت است دوستان طرّاً را به آن وصیت مینمائیم  
 تَمَسَّكَ بِهَا ثُمَّ اعْرِفْ مَقَامَهَا اِنَّ الْمَظْلُومَ هُوَ النَّاصِحُ  
 الَا مِیْن .

کتاب استنساخ آیات شماره ۲ ( لوح محمد رحیم )

صفحه ۱۶۴

( ۱۲۸ ) شگئی نبوده و نیست که امانت و دیانت و اخلاق  
 راضیه مرضیه و اعمال طیّیه سبب اقبال است  
 و دوش علّت اعراض این کلمه علیا از قبل از لسان  
 مولی السوری جاری و نازل قوله تبارک و تعالی  
 حَقَّ جَلَّ جلاله از برای ظهور جواهر معانی از  
 معدن انسانی آمده . کتاب استنساخ آیات شماره ۴  
 صفحه ۵۵

( ۱۲۹ ) حَقَّ ظاهراً و عباد را به آنچه سبب ارتقاء  
 وجود و عزّت و منفعت بود امر فرمود سبیل وصول به  
 حَقَّ را در زیر و الواح مکرّر نازل نمود و به عدل  
 و انصاف و امانت و دیانت وصیت کرد طوبی از برای  
 نفوسی که آوازی نیاز را شنیدند و به آنچه امر  
 فرموده عامل گشتند امانت بعد از دیانت از طراز اول  
 مذکور و از کلمه اولی مسطور نورش به مثابه نور شمس



بر جمیع انوار غلبه داشته و دارد طوبی از برای  
 نفسی که به نورش منور گشت و بر مقاض آگاه شد .  
 کتاب استنساخ آیات شماره ۴ صفحه ۵۴

( ۱۳۰ ) در اکثری از الواح عباد الله را به امانت  
 و دیانت و عدل و انصاف و وصیت فرمودیم و از بغی  
 و فحشا نهی و به برّ و تقوی امر نمودیم و لکن  
 ما زاد الغافلین الا خسارا اگر عباد به اراده حقّ  
 جلّ جلاله عمل مینمودند حال ارضی يك قطعه مزینه  
 منوره مقدسه مشاهده میشود .

کتاب استنساخ آیات شماره ۴ صفحه ۱۵۱

( ۱۳۱ ) این عبد و آن جناب و جمیع باید از مقتدر حقیقی  
 مسئلت نمائیم اولاً توفیق عطا فرماید که کلّ به ماء  
 توبه طاهر شویم و به طراز امانت و دیانت و عفت  
 و صدق و صفا و تقدیس و وفا مزین گردیم .  
 کتاب استنساخ آیات شماره ۴ صفحه ۳۲

( ۱۳۲ ) در آخر بیان شمارا وصیت مینمائیم به امانت  
 و دیانت و عفت و صدق و وفا امروز جنود الله  
 اعمال طیبه و اخلاق مرضیه بوده و هست به این

جنود حق را نصرت نمائید و مدائن قلوب را اخذ  
کنید و سلطان این جنود تقوی الله بوده حق آگاه  
و عالم و گواه که این مظلوم لا زال اولیای حق را  
به نصایحی که سبب نجاح و علّت فلاح است وصیّت  
فرموده و کفی به شهیدا و علیمما .

کتاب خطی شماره ۳ صفحه ۲۹۲

~~~~~

~~~~~

مم

## امانت

” حضرت عبدالبهاء ”

(۱۳۳) یاران در نهایت صدق و امانت و حسن نیت خدمت به سرور خویش نمایند و متابعت آن متبوع مفخم فرمایند وفا چنین اقتضاء نماید صدق و صفا بر این مجبور کند ایمان و ایقان چنین حکم فرماید . فتوکی محفظه آثار صفحه ۲۶۱

(۱۳۴) تا توانی به احوال و اخلاق و گفتار و رفتار و تنزیه و تقدیس به خدمت پروردگار پرداز و در کسب درکمال امانت و دیانت به منتهای همت بکوش . کتاب استنساخ الواح شماره ۷ صفحه ۴۸۳

(۱۳۵) جان فدای یکدیگر کنید و به عموم خلق نهایت محبت و مهربانی و صداقت و امانت و جان فشانی این است صفت یاران الهی و سمت دوستان ربّانی . جزوه تجزیه آیات صفحه ۴۳۴

(۱۳۶) از شروط ثبوت و لوازمات توجّه سؤال نموده بودید دلیل ثبوت تخلّق به اخلاق اهل تقدیس

از صدق و امانت و محبت و دیانت و شعله  
و حرارت و سکون و انقطاع و نشر نفحات اللّه  
و اعلاء کلمه اللّه قولاً و عملاً این نشانه هر  
بی نشانست و سجدیه هر ثابت بر پیمان .

کتاب استنساخ الواح شماره ۸ صفحه ۳۴

( لوح آقا سید اسد اللّه )

( ۱۳۷ ) اما قضیه امانت و دیانت فی الحقیقه  
در این دور بدیع اعظم برهان ایمان و ایقانسست  
در لوح امانت ملاحظه فرمائید که از قلم اعلی  
صادر و از برای انتباه کلّ کفایت است اگر نفسی  
بجمع اعمال خیریه قائم ولی در امانت و دیانت  
زرّه ای قاصر اعمال خیریه مانند سپند گردد و آن  
قصور آتش جان سوز شود ولی اگر در جمیع امور قاصر  
لکن به امانت و دیانت قائم عاقبت نواقص اکمال  
شود و زخم التیام یابد و درد درمان شود مقصود  
آنست که امانت عند الحقّ اساس دین الهی است  
و بنیاد جمیع فضائل و مناقب است اگر نفسی از آن محروم  
ماند از جمیع شئون محروم با وجود تصور در امانت از  
ایمان و دیانت چه ثمری و چه اثری و چه نتیجه ای و چه  
فایده ای ؟ . از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۸

( ١٣٨ ) نفوسی که در دوائر حکومت مستخدم باید  
 بنهایت استغنا و پاکی و آزادگی و عفت و عصمت  
 حرکت و به موجب خویش قناعت نمایند تا من  
 پاک را به ارتکاب و ارتشاء نیالایند الیوم اگر  
 یک نفس از احباب معاذ الله ارتکاب فلسی نمایند  
 ذیل مطهر امرالله آلوده گردد و از برای کس  
 رسوائی باشد . از کتاب اخلاق بهائی صفحات ٤٨  
 و ٤٩

( ١٣٩ ) اما اگر نفسی از احبای الهی در خدمتی از  
 خدمات دولت و ملت تعیین شود باید بجان و دل  
 بکوشد و بنهایت صداقت و امانت و دیانت ایفای  
 وظیفه خویش نماید . کتاب اخلاق بهائی صفحه ٤٩

( ١٤٠ ) عدم دیانت و امانت تیر پر زهریست که  
 به جگر گاه و دل و جان عبدالبهاء میخورد .  
 از کتاب اخلاق بهائی صفحه ٤٩ و ٥٠

( ١٤١ ) در هر صورت شما توجه به درگاه احدیت نمائید  
 و تضرع بحضرت رحمانیت فرمائید تا شمارا موقّق  
 بر آن نماید که بموجب تعالیم و وصایای جمال مبارک  
 آیات باهره صدق و امانت و دیانت و حسن نیت

بجمیع دول و ملل باشید در هر مملکت که هستید  
 به حکومت آن مملکت به نص جمال مبارک باید صارق  
 و امین و خیرخواه باشید و به ملل آن اقلیم در نهایت  
 امانت و راستی و درستی رفتار کنید .

از جزوه تجزیه آیات ( لوح احبای الهی ) ص ۱۳۷

( ۱۴۲ ) به مأموریتی که تعیین شده باید در نهایت  
 امانت و صداقت و تقدیس و پاکی از هر لوثی و  
 آزارگی از منفعت پرستی روش و حرکت نمائی تابدانند  
 که بهائیان جوهر تقدیسند و سازج تنزیه اگر  
 منصبی قبول نمایند مقصدشان خدمت بمعالم انسانی<sup>ست</sup>  
 نه منفعت پرستی و مرادشان احقاق حق است  
 نه حظوظ نفس و ناسپاسی باری امید چنان  
 است که چنانکه میخواهم باشی که منهج و مملکت  
 راستی و درستی و عدالت پرستی باشد .

از جزوه تجزیه آیات صفحات ۱ و ۲ ( لوح میرزاعباسقلی

میاند و آبی )

( ۱۴۳ ) باید اهل بهاء به نصایح و وصایای جمال  
 ابهی در نهایت رقت و وفا قیام نمایند و نفوسی  
 که در دوائر حکومت زیدخلند امیدوارم که

در نهایت تقدیس و پاکی و عفت و عصمت و خیرخواهی  
 و خلوص نیت و پاکی طینت بخدمت دولت و ملت  
 پردازند به موجب خویش قناعت نمایند و بدون آن  
 به ارتکاب فلسی ذیل خویش را نیالایند زیرا  
 ذیل مطهر امرالله آوده گردد و نزدکَلِّ محقق  
 شود که بهائیان نیز مثل سایر احزاب دیگرند بلکه  
 بدتر فرقیست لفظی نه معنوی .

نقل از کتاب حیات بهائی صفحه ۶۷

(۱۴۴) باری رجای این عبد چنین است که دوستان  
 حقیقی چنان روش و سلوکی نمایند که بهائیان  
 در نزد کَلِّ سر دفترانائی باشند که مشهور به پاکی  
 فطرت و طهارت طینت شب و روز بکوشند و بجوشند  
 و بخروشند و بجان و دل خدمت به ایران و ایرانیان  
 نمایند از تعیین مناصب مقصودشان آن باشد که  
 در ره رضای الهی بپویند و بعالم انسانی خدمت  
 کنند نه اینکه زخرف فانیه به دست آرند و به خوشی  
 و عزت و راحت زندگانی کنند زیرا این اوهام  
 زائل گردد نه راحت ماند نه عزت و نه منصب و  
 نه ثروت عنقریب گان لم یکن شیئا مذکوراً گردد آنچه

باقی راستی و درستی و خداپرستی است .

نقل از کتاب حیات بهائی صفحه ٦٨

( ١٤٥ ) انسان را عزّت و بزرگواری به پاکى و راستى  
 و خیرخواهى و عفت و استقامت است نه به زخارف  
 و ثروت اگر نفسى موفق بر آن گردد که خدمتى  
 بعالم انسانی على الخصوص ایران نماید سرور  
 سروران است و عزیزترین بزرگان این است غنای  
 عظیم و این است گنج روان و این است ثروت  
 بی پایان و الا ننگ عالم انسانی ولو در نهایت  
 شادمانی است چه قدر انسان باید که غافل و نادان  
 باشد و پست طینت که خویش را به اوساخ ارتکاب  
 و خیانت دولت بیالاید و البته حشرات ارض بر او  
 ترجیح دارند . از کتاب حیات بهائی صفحات ٦٦ و ٦٧

( ١٤٦ ) شما که خیرخواه دولتید و صادقید و مطیع  
 حکومتید و موافق به همواره به خدمت بپردازید  
 هر يك در دربار دولت مستخدم گردید باید بنهایت  
 راستی و حقیقت پرستی و عفت و پاک دامنى و تنزیسه و  
 تقدیس و عدالت و انصاف سلوک و حرکت نمائید و اگر  
 چنانچه معاذ الله یکی زره ای خیانت کند یا در امور



موکولۀ خویش تهاون و سستی نماید و خود مقدار  
دیناری بر رعیت تعدی کند و یا آنکه منفعت خصوصی  
خویش جوید و فوائد شخصی طلبد البتہ محروم  
از فیوضات پروردگار شود زنهار زنهار در آنچه  
تحریر یافت قصور نمائید .

کتاب حیات بهائی صفحه ٦٥

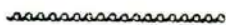
( ١٤٧ ) یاران باید در نهایت اطاعت و انقیاد بر  
سریر تاجداری باشند و بخدمت و صداقت پردازند  
و در آسایش مملکت ید بیضا نمایند هر یک که در دائرہ  
حکومت مستخدمند باید مأموریت را اسباب تقرب به  
درگاه کبریا نمایند و به عفت و استقامت پردازند  
و از رشوت و ارتکاب بگلی بیزار گردند به مقرری  
قناعت کنند و مدار افتخار را عقل و کفایت و درایت  
دانند اگر نفسی به رغیسی از نان قناعت کند  
و به اندازه خویش بعدالت و انصاف پردازد سرور  
عالمیان است و مدوح ترین آدمیان بزرگوار است  
ولو کیسه تهی سرور آزادگان است ولو جامه کهنه  
و عتیق عزت و افتخار انسان بفضائل و خصائل  
حمیده است و شرف و منقبتش به تقرب درگاه کبریا

والآ اموال دنیا متاع غرور است و طالبان از اهل  
شرور و عنقریب مایوس و مخدول این بهتر یا اینکه  
انسان در تنزیه و تقدیس رفتار نماید و در نهایت  
عزت و استقامت و صداقت ظاهر و آشکار گردد؟ البته  
این از گنج روان خوشتر.

از کتاب حیات بهائی صفحات ٦٤ و ٦٥

١٤٨) بهائیان جان فدای جهانیان نمایند  
و پرستش نوع انسان کنند ولی به نص قاطع مأمور  
به آیند که در هر مملکتی که هستند به حکومت آن مملکت  
در نهایت صدق و امانت باشند.

کتاب امر و خلق جلد ٣ صفحه ٢٩٠





به قناعت قانع شد زیرا که لا زال حریص محروم بوده  
و قانع محبوب و مقبول . کلمات مکنونه

( ١٥٣ ) ای برادران با یکدیگر مدارا نمائید و از دنیا  
دل بردارید به عزّت افتخار نمائید و از نلّت  
ننگ مدارید قسم به جمالم که گل را از شراب  
خلق نمودم و البتّه بخاک راجع فرمایم .

( ١٥٤ ) ای علی سراق انقطاع در شاطی بحراعظّم  
مرتفع نما و خیمه توگل در ظلّ سلطان احدیّه  
برافراز چه که جز ظلّش هاویه بوده و خواهد بود .  
الواح خطی صفحه ٢٨٤

( ١٥٥ ) سراج حبّ الهی را به دهن هدایت در مشکاة  
استقامت در صدر منیر خود برافروزید و به زجاج توگل  
وانقطاع از ماسوی اللّه از هبوب انفاس مشرکین حفظش  
نمائید . مجموعه بزرگ چاپ مصر صفحه ٣٢٤

( ١٥٦ ) لم یزل اراده سلطان لایزال این بوده که  
قلوب عباد را از اشارات دنیا و مافیها طاهر نماید تا  
قابل تجلیات ملک اسماء و صفات شوند پس باید در  
مدینه قلب بیگانه راه نیابد تا دوست یگانه به مقرر

خود آید . از کتاب اخلاق بهائی صفحه ١٧٩

( ١٥٧ ) و بعد سئوال از انقطاع شده بود معلوم آن جناب بوده که مقصود از انقطاع انقطاع از ما سوی الله است یعنی ارتقاء به مقامی جوید که هیچ شیئی از اشیاء از آنچه در مابین سماوات و ارض مشهود است اورا از حق منع ننماید یعنی حَسْبُ شیئی و اشتغال به آن اورا از حَبِّ الهی و اشتغال به ذکر او محجوب ننماید چنانچه مشهودا ملاحظه میشود که اکثری از ناس الیوم تمسک به زخارف فانیه و تشبث به اسباب باطله جسته و از نمیم باقیه و اثمار شجره مبارکه محروم گشته اند .

لوح هادی صفحه ٣٤٩

( ١٥٨ ) مکرر این کلمه علیا از لسان مولی السوری ظاهر یک عمل پاک جوهر خاک را از افلاک بگذرانند و به مشرق ظهور راه نمایند یا حزب الله همّتی که شاید اصنام نفس و هوی به ضد انقطاع معدوم شود و حضرت تقوی بر مقام خود قرار گیرد . از کتاب خطی شماره ١٨ ص ٧٥

(۷۰)

۲۵۹ در الواح منزله آنچه بخواهند نازل شده  
در مقام انقطاع آیات کبری نازل و همچنین  
تقوی و توجّه و هجرت در هر یک از صفات  
و اخلاق نازل شده آنچه که اگر القاء شود  
وجود را به زروه علیا و غایة قصوی  
جذب نماید .

کتاب خطی شماره ۵ صفحه ۱۳۵

~~~~~

~~~~~

مم

## انقطاع

"حضرت عبدالبهاء"

۱۶۰) الیوم آنچه سبب تقرّب درگاه کبریاست  
انقطاع از عالم نفس و هوی است و لطافت قلب  
و خلوص نیّت و وفا چون این موهبت جلوه نماید  
نار محبت اللّٰه چنان شعله زند که گنبد آفاق بگدازد.  
کتاب استنساخ الواح شماره ۲ صفحه ۳۰۵

۱۶۱) در امر بهاء اللّٰه بر هر نفسی اشتغال  
به صنعت و کسبی فرض است مثلاً من حصیربافسی  
میدانم و شما صنعت دیگر این عین عبادت است  
اگر با نهایت صداقت و امانت باشد و این سبب  
ترقیست اما با وجود مشغولیت اگر قلب تقید و  
تعلقی به این دنیا نداشته باشد و از حوادث عالم  
متألم نگردد نه با ثروت عالم از خدمت نوع انسان  
منوع ماند و نه از فقر محزون شود این کمال انسانست  
و الا در حالت فقر اظهار کرم و با حال ضعف  
ادّعی عدل نمودن قولیست آسان نه دلیل بر  
تربیت و تذکر وجود انسان. کتاب اخلاق بهائی ص ۶۷

۱۶۲) فقیر صابر بهتر از غنی شاکر است اما فقیر شاکر  
 بهتر از فقیر صابر است و بهتر از همه غنی منفق  
 است که از امتحان خالص مانده و سبب آسایش  
 نوع انسان گشته با آنکه شکر سبب از یاد نعمت  
 است ولی شکر به انفاق است و مقام انفاق  
 اعظم مقامات این است میفرماید : لن تنالوا  
 البرَّ حتّٰی تنفقوا ممّا تحبّون .

کتاب اخلاق بهائی صفحات ۵۹ و ۶۰

۱۶۳) از جمله تعالیم الهیه به نفوس امانت و انقطاع  
 و تقدیس است پس اگر کسی را دیدی که نظر به مال  
 و طمع در اموال ناس دارد بدان که او از اهل  
 بها نیست اهل بها کسانی هستند که اگر  
 به وادی ذهب و فضّه رسند چون برق درگذرند  
 و ابداً اعتنا نمایند .

از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۵۰

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*



## تربیت

## "آثار قلم اعلیٰ"

مممممممممممم

(۱۶۴) قلم اعلیٰ کلّ را وصیّت میفرماید بتعلیم و تربیت اطفال و این آیات در این مقام در کتاب اقدس در اوّل ورود سجن از سما مشیّت الهی نازل کتب علی کلّ اب تربیة ابنه و بنته بالعلم و الخط و دونهما عمّا حدّد فی اللّوح والذی ترک ما امر به فلا مناء ان يأخذوا منه ما یكون لازما لتربیتهما ان کان غنیّا والا یرجع الی بیت العدل انا جعلناه مأوی للفقراء و المساکین ان الذی ربّی ابنه او ابنا من الابناء کانه ربّی احد ابنائی علیه بهائی و عنایتی و رحمتی الّتی سبقت العالمین.

از کتاب اشراقات صفحات ۷۸ و ۷۹

(۱۶۵) کلمة الله در ورق هشتم از فردوس اعلیٰ دارالتعلیم باید در ابتدا اولاد را بشرائط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و بطراز اوامر مزین دارد.

از کتاب اشراقات صفحه ۱۲۳

( ١٦٦ ) یا محمد وجه قدم بتو توجّه و ترا زکبر  
 مینماید و حزب الله را وصیت میفرماید به تربیت  
 اولاد اگر والد در این امر اعظم که از قلم قدم  
 در کتاب اقدس نازل شده غفلت نماید حق  
 پدری ساقط شود و لدی الله از مقصّرین  
 محسوب طوبی از برای نفسی که وصایای الهی را  
 در قلب ثبت نماید و به او متمسک شود انّه  
 یا امر العباد بما یؤیدهم و ینفعهم و یقرّبهم  
 الیه و هو الامر القدیم .

از کتاب امر و خلق جلد ٣ صفحات ٣٢٥ و ٣٢٦

( ١٦٧ ) اما اماء باید کمال سعی را در تدین اولاد مبذول  
 دارند چه اگر اولاد به این طراز اول فائز نگردد  
 از اطاعت ابویین که در مقامی اطاعة الله است  
 غافل گردد دیگر چنین اولاد مبالغت نداشته و  
 ندارد یفعل باهوانه مایشاء .

از کتاب امر و خلق جلد ٣ صفحه ٣٢٦

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

## تربیت

"حضرت عبدالبهاء"

مممممممممممممممم

(۱۶۸) باید نفوس را چنان تربیت نمود که جرم واقع نگردد زیرا میتوان جمیع را چنان تربیت نمود که از ارتکاب جرائم چنان اجتناب و استیحاş نمایند که در نزد ایشان نفس جرم اعظم عقوبت و نهایت عذاب و قصاص باشد لهذا جرمی واقع نگردد تا قصاص جاری گردد . از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحات ۳۲۹ و ۳۳۰

(۱۶۹) اطفال را از صفر سن نوعی تربیت نمایند که بینهایت بحیوان رؤوف و مهربان باشند اگر حیوانی مریض است در علاج او کوشند اگر گرسنه است اطعام نمایند اگر تشنه است سیراب کنند اگر خسته است در راحتش بکوشند . کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۳۳۷

(۱۷۰) باید حفظ مراتب نمود اصاغر باید رعایت و احترام اکابر کنند و اکابر باید مهربانی در حق اصاغر نمایند جوانان باید خدمت پیران نمایند و پیران باید محافظت و رعایت جوانان کنند این حقوق متبادله است .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۶۸

(۱۷۱) پسر باید چنین مهرپرور باشد و ابویین را پرستش نماید از راحت خویش بگذرد و در فکر آسایش بیگانه و خویش باشد .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۵۷

(۱۷۲) اس اساس سیئات نادانی و جهالت است لہذا باید به اسباب بصیرت و دانائی تشبث نمود و تعلیم اخلاق کرد و روشنی به آفاق داد تا در دبستان انسانی تخلّق به اخلاق روحانی نمایند و یقین کنند کہ هیچ جحیم و سعیری بدتر از خلق و خوی سقیم نہ و هیچ جہنم و عذابی کثیف تر از صفات موجب عتاب نیست تا تربیت به درجہ ای رسد کہ قطع حلقوم گوارا تر از کذب مشوم گردد و زخم سیف و سنان آسان تر از غضب و بہتان گردد .

کتاب مکاتیب اول صفحات ۴۰۵ و ۴۰۴

(۱۷۳) اطفال باید اول به آداب الہی تربیت شوند و ترغیب و تشویق بر تحسین اخلاق گردند آنگاہ بقدر امکان کوشش در تحصیل علوم و صنایع و فضائل آنها گردد چہ اگر تربیت الہیہ و اخلاق حسنہ نباشد اکتساب علوم و صنایع تنها کفایت ننماید و مانع فساد اخلاق و

مضرات نفس و هوی نشود بلکه سبب ترویج افکار باطله و وسیله تقویت اغراض شخصیّه مگر آنکه با تربیت الهی و حسن اخلاق توأم باشد .  
 کتاب اخلاق بهائی صفحه ۲۱۷

۱۷۴-) البتّه بجان بکوشید که اطفال خویش را علی‌الخصّص دختران را تعلیم و تربیت نمائید و هیچ عذری در این مقام مقبول نه تا عزّت ابدیّه و علویّت سرمدیّه در انجمن اهل بهاء مانند شمس ضحی جلوه و طلوع نماید و قلب عبدالبهاء سرور و ممنون شود .

کتاب امر و خلق جلد سوم صفحات ۳۲۸ و ۳۲۹

۱۷۵-) یاران باید در فکر تربیت و تعلیم عموم اطفال ایران افتند تا گل در دیستان عرفان چشم و گوش باز نموده و به حقائق کائنات پی برده کشف رموز و اسرار الهی نمایند و به انوار معرفت و محبت حضرت احدیّت منور گردند و این بهترین وسیله است بجهت تربیت عموم .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۳۲۹

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

## تربیت

”حضرت ولی امرالله“

MMMMMMMMMMMM

( ۱۷۶ ) الیوم یوم نهضت و قیام عاشقانه جوانان است که با همتی زائد الوصف امواج دریای ماده پرستی را درهم شکنند و بحر تمدن و معانی را از طوفان افکار سخیف و پست اجتماعی محفوظ و مصون دارند و به انوار دیانت، جامعه بشری را بشاهراه فلاح و رستگاری هدایت کنند جوانان باید در راه خدمت بعالم امر عاشقانه جانبازی کنند و برای نجات بشر از گرداب جهل و گمراهی با معارف و اوامر الهی چنان مجهز گردند که علم یا بهاء الابهی را بر فراز این توده غبرا به اهتزاز آورند .

از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۲۳۹

( ۱۷۷ ) جوانان بهائی مخصوصا میایستی همیشه بکوشند که سرمشق و نمونه حیات بهائی باشند جهان اطراف ما را فساد اخلاق اعتشاش و عدم عفت و هورزگی و بد رفتاری پر کرده است جوانان

بهائی میبایست دشمن این مفاسد باشند و با  
پاکی صداقت نجابت ملاحظه و رفتار نیک خویش و  
دیگران را از جوان و پیر به امر الهی جذب  
نمایند جهان از حرف خسته شده و تشنه عمل  
است و جوانان بهائی باید جوابگوی این  
انتظار باشند .

کتاب نمونه حیات بهائی صفحات ۳۷ و ۳۸

( ۱۷۸ ) جوانان بهائی باید در انجام وظائف و مأموریت  
خویش همواره مظهر تقوی و تقدیس باشند و این  
دو صفت در حیات جامعه بهائی و ترقی و خط مشی  
آتی جوانان کشورشان عامل مؤثری به شمار  
رود .

از لوح ظهور عدل الهی

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

تقديس و تنزيه

"آثار قلم اعلى"  
مسممممممم

( ١٧٩ ) قل يا قوم دعوا الرزائل وخذوا الفضائل  
كونوا قدوة حسنة بين الناس و صحيفة يتذكر  
بها الاناس . لوح حكمت صفحات ٣٧ و ٣٨

( ١٨٠ ) ليس للعاقل ان يشرب ما يذهب به العقل  
وله ان يعمل ما ينفي للانسان لا ما يرتكبه  
كل غافل مريب . كتاب مستطاب اقدس

( ١٨١ ) حرّم عليكم الميسر والافيون اجتنبوا يا معشر  
الخلق ولا تكونن من المتجاوزين اياكم ان تستعطوا  
ما تكسل به هياكلكم و يضر ابدانكم انا ما اردنا لكم  
الا ما ينفعكم يشهد بذلك كل الاشياء لو انتم  
تسمعون . كتاب مستطاب اقدس

( ١٨٢ ) قد حرّم عليكم شرب الافيون انا نهيناكم عن  
ذلك نهياً عظيماً فى الكتاب والذى شرب انه ليس  
منى اتقوا الله يا اولى الالباب . كتاب مستطاب اقدس



( ۱۸۳ ) آنچه الیوم سبب ارتفاع امر و علّت ظهور تنزیه و تقدیس حقّ بین خلق است اخلاق مرضیه و اعمال حسنه بوده و خواهد بود انشاء الله جمیع به آن فائز و به آن متمسک باشند .

از کتاب استنساخ آیات شماره ۱ ص ۱۲۳

( ۱۸۴ ) انشاء الله باید جمیع دوستان همت بر خدمت گمارند اول کمال تقدیس و تنزیه و انصاف و مشورت قیام نمایند آنچه را سبب تفریق مشاهده کنند اول به اصلاح آن توجه کنند و بعد به روح و ریحان و حکمت بخدمت مشغول گردند اصلاح امور ایشان و همه عالم خواهد شد .

کتاب استنساخ آیات شماره ۳ ص ۱۰۴

( ۱۸۵ ) ای سرستان خمر عرفان در این صباح روحانی از کأس الطاف رحمانی صبح حقیقی بیاشامید این خمر توحید را خمار دیگر است و خمارش را کیفیت دیگر آن از شعور بگاهد و این بر شعور بیفزاید آن نیستی آورد و این هستی بخشد آن را صداع از عقب و این را حب مالک ابداع همراه بگوای خلق محبوب حق ساقی است و اعطای کوشریا قی میفرماید . از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحات ۴۰ و ۴۱

( ۱۸۶ ) ایاکم ان تبدلوا خمرالله بخر انفسکم لانهما  
 یخامرالعقل و یقلب الوجه عن وجه الله العزیز البدیع  
 وانتم لا تتقربوا بها لانها حرمت علیکم من لدی الله  
 العلیّ العظیم . از کتاب امر و خلق جلد ۳ ص ۴۱

( ۱۸۷ ) ای پسر خاکی از خمر بی مثال محبوب لایزال  
 چشم میوش و بخرم کرده فانیه چشم مگشا .

( ۱۸۸ ) ای پسر انسان شبی منی از ژرف دریای رحمت خود  
 بر عالمیان مبدول داشتم و احدی را مقبل نیافتم زیرا  
 که گل از خمر باقی لطیف به ماه کثیف نبید اقبال  
 نموده اند و از گاس جمال باقی بجام فانی قانع شده اند  
 فیئس ما هم به یقنعون . کلمات مکنونه

( ۱۸۹ ) انشاء الله بکمال تقدیس و تنزیه و شفقت و عنایت  
 و مهربانی ما بین ناس ظاهر باشید هیچ عملی عند الله  
 ضایع نشده و نخواهد شد . کتاب خطی شماره ۴ ص ۲۹۹  
 ( ۱۹۰ ) آنچه الیوم مطلوب است اینست که کل به تنزیه و تقدیس

و خضوع و خشوع و عبودیت صرفه بین ناس ظاهر شوند تا  
 جمیع ناس از افعال و اعمال آن نفوس موقنه به شطر  
 الله توجه نمایند .

الواح خطی صفحه ۳۷۰

تقدیس و تنزیه

” حضرت عبدالبهاء ”

مممممممممممممممم

( ۱۹۱ ) طهارت و تقدیس از اساس دین الهیست و اعظم وسیله وصول درجات عالیّه غیر مقناهی و این جوهر لطیف و نظیف چه در ظاهر و چه در باطن بسیار محبوب و مقبول و در عالم وجود از جمله شئون که تعلق و تأثیر در مراتب روحانی دارد نظافت و لطافت و طهارت است چون بمحل پاک و طیب و طاهر داخل شوی یک نفحه روحانی استشمام نمائی لهذا در این کور اعظم این امراتم اقوم را نهایت تأکید جمال قدم روحی لاجبائنه الفداء فرمودند اما اصل تقدیس و تنزیه پاکی و لطافت و طهارت قلب است از جمیع ماسوی الله و اشتعال بنفحات الله .

از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحات ۴۰۶ و ۴۰۷

( ۱۹۲ ) ..... در مسئله حشیش فقره ای مرقوم نموده بودید که بعضی از نفوس ایران به شربش گرفتار سبحان الله این مسکر از جمیع مسکرات بد تر و حرمش مضر و سبب

پریشانی افکار و خمودت روح انسان در جمیع اطوار  
چگونه ناس به این شجرهٔ زقوم استیناس یابند و  
بحالتی گرفتار گردند که حقیقت نسناس شوند چگونه  
این شیئی محرم را استعمال کنند و محروم از الطاف  
حضرت رحمن گردند ؟ البته صد البته تا توانید  
ناس را نصیحت نمائید خمر سبب زهول عقل است  
و صدور حرکات جاهلانه اما این افیون کثیف  
و حشیش خبیث عقل را زائل و نفس را خامد و روح  
را جامد و تن را ناحل و انسان را بگلگی خائب و  
خاسر نماید . از کتاب حیات بهائی صفحه ۱۸۵

( ۱۹۳ ) جمیع نفوس را نصیحت نمائید که با وجود آنکه  
جام باقی و خمر الهی میسر هیچ فطرت پاکی به این  
آب فانی منتن میل مینماید ؟ لا والله .  
کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۴۴

( ۱۹۴ ) اما قضیهٔ تریاک نفوس را از خاک پست تر  
کند و از عظم رمیم پوسیده تر سبحان الله  
چه قدر عجیب است و چه قدر غریب که انسان  
خود را زنده مرده نماید و افسرده و پژمرده کند  
و جز ضرر اثر نبیند و با وجود این چگونه مصرّ بر

حصول این ضرر گردد والله الذی لا اله الا هو  
 اگر انسان زنده در قبر نشیند بهتر از آن است  
 که مرتکب شرب افیون شود و مظهر الجنون فنون  
 گردد البتّه البتّه خویش و بیگانه را نصیحت  
 نمائید و از این عمل قبیح ممانعت کنید که ایوم  
 در آستان مقدّس اعظم محرّمات شرب تریاک است  
 اعاننا الله وایاکم من هذا الضرّ العظیم والبلیّة  
 الّتی هادمة للبنیان الجسیم .

کتاب امر وخلق جلد ۳ صفحه ۳۷ و ۳۸

( ۱۹۵ ) در خصوص افیون مرقوم نموده بودید شارب  
 وشاری وپایع کلّ محروم از فضل و عنایات  
 الهی هستند و بصریح نصّ الهی حرام است شارب  
 الخمر صد هزار درجه بر شارب افیون تفضیل دارد درسا  
 اقدس بسیار مذموم بود بقسمی که هر وقت ذکر افیون میشد  
 چهره مبارک متخیر میشد تا این درجه مذموم و حرام است  
 مرا آرزو چنانست که انشاء الله احباء کم کم از شرب دخان  
 نیز احترام نمایند تا چه رسد به افیون .

از کتاب حیات بهائی صفحات ۱۸۰ و ۱۸۱

( ۱۹۶ ) فی الحقیقه ضرر و زیان این دود بی  
 نفع و سود واضح و مشهود است اجسام را بگلّی

معلول نماید و اعصاب را رخاوت و سستی بخشند  
 و دماغ یعنی مغز را از احساسات علویه محروم  
 نماید اوقاتی به شریش بیهوده بگذرد و اموال بیجا  
 صرف گردد نه تشنگی بنشانند و نه گرسنگی زائل  
 کند شخص عاقل البتّه ترك این مضرّ هائل نماید  
 و همواره به آنچه سبب صحت و سلامتی است  
 بپردازد .

۴۹  
 کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحات ۴۸ و ۴۹

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*

\*

تقدیس و تنزیه

” حضرت ولیّ امرالله ”

مممممممممممممم

( ۱۹۷ ) شرب خمر و تریاک از محرّات منصوصه حتمیه است لهذا اگر افراد اجتناب نمایند و متدرّجاً ترك نکنند و از نصیحت و انذار محفل متنّب نشوند و عمداً مداومت نمایند انفصال آنان را از جامعه بکمال حزم و متانت اعلان نمائید .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۴۵

( ۱۹۸ ) از ضروریات تقوی و تقدیس همانا ترك حرکات و رفتار سخیفه است این قبیل حرکات یا تفریحات مبتذله که اغلب از طریق صواب منحرف میگردد دارای تعلّق و ارتباط تامّی است و نیز اجتناب کامل از کلیه مشروبات الکلی و افیون و سایر مواد مخدره ای که تولید عادت مینماید از لوازم تقوی و تقدیس محسوب.

( ۱۹۹ ) تقوی و تقدیس فقط عبارت از عفت طهارت حسن رفتار تنزیه افکار و عدم افراط در اکل و شرب نیست بلکه بالسّویه شامل رعایت اصل اعتدال در جمیع شئون مربوط به طرز لباس و تفریحات و مکالمات و کلیه

فنون ادبی و صنایع مستظرفه نیز مییابد .

۲۰۰) در اجرای کلیه امور اجتماعی مدارس تابستانه بهائی و همچنین در سایر مواقع که زندگی اجتماعی بهائی دائر و برقرار است یاران باید تقوی و تقدیس را مخصوصاً مطمح نظر خویش قرار دهند .

۲۰۱) تقوی و تقدیس باید در کلیه شئون زندگی پیروان این آئین چه در سفر و چه در حضر چه در مجامع و کلوبها و ضیافت و چه در مدارس و دارالعلمهای آنان بنحو اکمل و به تمام معنی منظور و مراعات گردد .

۲۰۲) جمهور احبباء چه هنگام معاشرت و مراده با افراد جامعه بهائی و چه در تماس با اهل عالم باید تقوی و تقدیس را سرمشق روش و رفتار خویش قرار دهند .

۲۰۳) تزییع و سوء استعمال ادبیات و فنون مستظرفه اختیار از واجهای آزمایشی و مرام عدم استتار بدن خیانت در روابط زناشویی و انواع اختلاط و ارتباطات نامشروع و سیئات شهوانی کُل منافی و مخالف اصول تقوی و تقدیس است .



( ۲۰۴ ) موافقت و مماشاة با عقاید و موازین و عادات و رسوم و رویه های افراطی چنین عصری که راه تنسی و انحطاط می پیماید خارج از صراط تقوی و تقدیس است بلکه برعکس تقوی و تقدیس همواره میکوشد که بوسیله قوه محرکه مثلینش ضرر این عقاید و خطای این موازین و سخافت این دعاوی و سقم این عادات و لوث این رویه های افراطی را واضح و مبرهن سازد .  
 از لوح مبارك " ظهور عدل الهی "

— باید بهر نحوی که ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمود و الا اقدام به هیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد باید از تصنع و تقلید احتراز جست چه که راعه متنه اش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراك نماید .

کتاب " نمونه حیات بهائی " صفحات ۷۹۶

— هدف غائی حضرت بهاء الله آن است که افراد جدیدی خلق شوند یعنی مردمی نیکوکار و مهربان باهوش و صدیق و شریف که بر مبنای احکام و موازین این امر اعظم که در این مرحله جدید از تکامل عالم انسانی ظاهر شده عمل نمایند خود را بهائی نامیدند

کافی نیست بلکه باید در تمام وجود ما آثار حیات بهائی نمودار باشد .

۲۹ و

کتاب " نمونه حیات بهائی " صفحات ۲۸

— میتوان گفت دو نوع بهائی در امر وجود دارد یکی آنهائی که دینشان بهائیت و دیگر کسانی که بخاطر امر زندگی میکنند احتیاج به ذکر نیست که اگر شخصی بتواند در صف مقدم باسلان و شهداء و مخلصین واقع شود در نزد خدا احسن و اولی است .

کتاب نمونه حیات بهائی صفحات ۴۷ و ۴۸

— موضوع مهم اینست که بحیات بهائی عمل کنیم یعنی زندگی ما چنان مشحون از تعالیم الهی و روح بهائی باشد که مردم واضحاً در طرز رفتار و اعمال ما یک نشاط و قدرت و عشق و صفا و تأثیری ببینند که ما را از مردم دنیا پرست ممتاز دارد .

کتاب نمونه حیات بهائی صفحه ۸

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*

تقوى

" آثار قلم اعلى "

ممممممممممممممممم

( ٢٠٥ ) انا وصينا اوليانا بتقوى الله الذى كان  
مطلع الاعمال والاخلاق انه قائد جنود العدل فى  
مدينة البهاء طوبى لمن دخل فى ظلى راية النوراء  
وتمسك به انه من اصحاب السفينة الحمراء التى  
نزل ذكرها فى قيوم الاسماء قل يا حزب الله زينوا  
هياكلكم بطراز الامانة والديانة ثم انصروا ربكم  
بجنود الاعمال والاخلاق انفضعنكم عن الفساد  
والجدال فى كتبى و صحفى و زبرى و الواحى .  
ازلوح اشراقات صفحه ٧٠

( ٢٠٦ ) ان اوامر العباد بتقوى الله لعل تتضوع من  
اعمالهم روائح التقديس فى الآفاق كذلك امرناهم  
وتأمرهم من لدن عليم حكيم . لوح ملك باريس ص ١٣٠  
صين

( ٢٠٧ ) يا على قبل اكبر ان المظلوم يذكرك ويوصيك  
بتقوى الله رب العالمين انا جعلنا الامانة اكليل لروس  
عبادى والتقوى ثوباً لهياكل احبائى طوبى لمن اخذ  
نصح الله وويل للمعرضين . ازكتاب خطى شماره ١١ ص ١٢٦

۲۰۸) بگو مظلوم عکا کلّ را بتقوی الله وصیّت مینماید  
 و بما یرتفع به مقام الانسان شریعة الله حقیقی امور  
 و اعمالیست که سبب وعلّت ظهورات مقامات انسانیت  
 این است معروفی که در جمیع کتب حقّ جلّ جلاله  
 به آن امر فرموده و آنچه مخالف این مقام است از منکر  
 محسوب و اجتناب از آن لازم .

از کتاب خطی شماره ۱۲ صفحه ۲۷۱

۲۰۹) ناصر امر اعمال است و معینش اخلاق یا  
 اهل بهاء بتقوی الله تمسک نماید هذا ما حکم به  
 المظلوم و اختاره المختار . مجموعه بزرگ چاپ مصر ۲۹

۲۱۰) تقوی خالص پیشه کن و از ماسوی الله اندیشه منما  
 لوح احمد مجموعه بزرگ چاپ مصر ۳۱۶

۲۱۱) امروز روز اخلاق و روز اعمال است وصیّت مینمائیم  
 کلّ را بتقوی الله چه که لزال اولیای حقّ بتقوی دین الله  
 را نصرت نموده اند این راییت و این علم مقدّم است بر  
 جمیع رایات و اعلام طوبی للمعارفین و طوبی  
 للفائزین .

کتاب خطی شماره ۱۰ صفحه ۱۴۴

(۲۱۲) ای پسران آدم کلمه طیبه و اعمال طاهره  
 مقدسه بسماء عز احدیه صعود نماید جهـد  
 کنید تا اعمال از غبار ریا و کدورت نفس وهوی پاک  
 شود و بساحت عز قبول درآید چه که عنقریب صرافان  
 وجود در پیشگاه حضور معبود جز تقوای خالص  
 نپذیرند و غیر از عمل پاک قبول نمایند این است  
 آفتاب حکمت و معانی که از افق فم مشیت ربّانی  
 اشراق فرمود طوبی للمقبلین . مجموعه الواح مبارکه ص ۹۲

(۲۱۳) دوستان الهی باید بتقوی الله قلوب را تسخیر نمایند  
 و صدور را از آنچه سزاوار نیست مقدّس دارند .

لوح میر محمد خ - ۱ ص ۱۴۹

(۲۱۴) ای بنده الهی تا توانی دست به ذیل تقوی زن  
 و از سراج هدی اقتباس نور از ملاء اعلی نمـا  
 از خصائص نجوم افق رحمن موهبت هدی و تقوی است  
 تا شمع هدی در زجاجه تقی نیفرورد انوارش  
 ساطع نگردد و نجش لامع نشود .

از جزوه تجزیه آیات ( لوح محمد تقی خان )

صفحه ۳۶۰

حيات عائله بهائى

"آثار قلم اعلى"

مستطاب اقدس

( ٢١٥ ) قد كتب الله عليكم النكاح ..... تزوجوا يا قوم  
ليظهر منكم من يذكرنى بين عبادى هذا من امرى  
عليكم اتخذوه لانفسكم معيناً .

كتاب مستطاب اقدس .

( ٢١٦ ) تزوجوا ليقوم بعدكم احد مقامكم انا منعناكم  
عن الخيانة لاعما تظهر به الامانة اخذتم اصول  
انفسكم ونبذتم اصول الله ورائكم اتقوا الله ولا تكونوا  
من الجاهلين .  
لوح ناپلئون سوم

( ٢١٧ ) ان الله احب الوصل والوفاق و ابغض الفصل  
والطلاق عاشروا يا قوم بالروح والريحان  
لعمري سيفنى من فى الامكان وما ييقى هو العمل  
الطيب وكان الله على ما اقول شهيداً .

كتاب مستطاب اقدس

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

## حیات عائله بهائی

” حضرت عبد البهاء ”

مممممممممممم

( ۲۱۸ ) ای دو مؤمن بالله خداوند بیمانند زن و مرد را آفریده که با یکدیگر در نهایت الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم يك جان داشته باشند زن و مرد دو رفیق انیس هستند که باید درغم یکدیگر شریک باشند . از کتاب هدیه از دواج صفحه ۱۳

( ۲۱۹ ) زوج و زوجه باید الفتشان جسمانی محض نباشد بلکه الفت روحانی و ملکوتی باشد این دو نفس حکم يك نفس دارند و چه قدر مشکل است يك نفس از هم جدا شود البتّه مشکلات و مشقّات عظیمه رخ دهد . از کتاب حیات بهائی صفحه ۴۷

( ۲۲۰ ) زن و مرد باید فی الحقیقه رفیق باشند غمخوار یکدیگر باشند موافقتشان از روی حقیقت باشد نه از روی شهوت و هوی و هوس اگر این طور باشد چند سال باهم زندگانی میکنند و بعد اختلافی واقع میشود باید مانند يك جان در دو جسم باشند هیچ فرقی در میان نباشد در راحت هم دیگر بکوشند و هم دیگر

معاونت کنند . کتاب هدیه از و اج صفحه ۱۲

( ۲۲۱ ) تأهل بموجب شریعة الله لازم است لهذا خیلی مبارک است در جوانی نتایج و برکاتش معلوم نیست ولی بعدها انسان می بیند عائله ای تشکیل نموده خیلی متلذذ میشود و محفوظ دیگر آنکه تأهل برای انسان حصنی میگردد که از هوی و هوس مصون میماند و محفوظ سبب عفت و عصمت انسان میشود چه عند الله امری اعظم از عصمت و عفت نیست این اعظم مقامات عالم انسانی است و از خصائص این خلقت رحمانی و دون آن از مقتضیات عالم حیوانی — لهذا تأهل مبارک است و عند الله مقبول .

از کتاب هدیه از و اج صفحات ۱۴ و ۱۵

( ۲۲۳ ) یاران باید بکلی از طلاق اجتناب نمایند مگر آنکه عوارضی در میان حاصل گردد که سبب برودت شود اساس طکوت الله بر مودت و محبت و وحدت و مؤانست و اتفاق است نه بر اختلاف خصوصاً بین زوج و زوجه اگر یکی از این دو طرف سبب طلاق شود البته در مشکلات عظیمه افتد و بصد مات شدیده گرفتار آید و پریشان و پشیمان گردد . از کتاب هدیه از و اج ص ۱۶۹۱۵



## حیات عائله بهائی

” حضرت عبدالبهاء ”

مممممممممممممممم

( ۲۲۳ ) قوی ترین حلقه ای که قلوب زن و شوهر را بیکدیگر

متحد مینماید صداقت و وفاداریست هر دو باید

صداقت و وفاداری را بمنتهی درجه نسبت بهم

مجری دارند و نگذارند زره ای رشک و حسادت

در بین ایشان نفوذ کند زیرا این حسادت چون

سمی است که ریشه محبت را فاسد مینماید .

ت

( ۲۲۴ ) زن و شوهر باید معلومات خود و استعدادا

خود و ذوق خود و سعادت و دولت خود

و مقام و مرتبه خود و جسم و جان خود را

در مرحله اول به حضرت بهاء الله و سپس

به یکدیگر نثار نمایند .

( ۲۲۵ ) شما باید دائما شجر الفت و اتحاد خود را

با آب علاقه و محبت آبیاری نمائید تا در تمام

فصول زندگانی سرسبز و خرم ماند و شیرین ترین

ثمرار را برای شفای آلام ملل و اقوام به بار

آورد . از کتاب هدیه ازدواج صفحات ۱۷ و ۱۸

و ۱۹

( ۲۲۶ ) وقتی که خداوند بشما اطفال شیرین و نازنین  
عطا میکند خود را وقف تربیت و تعلیم ایشان  
نمائید تا گل‌های جاودانی گلزار الهی و بلبلان  
خوش‌الحان بهشت آسمانی گردند و خادمان عالم  
انسانی و اثمار شجر زندگانی شوند .

( ۲۲۷ ) بین بهائیان مسئله ازدواج این است که  
مرد و زن جسماً و روحاً متحد باشند تا در جمیع  
عوالم الهی اتحادشان ابدی باشد و حیات  
روحانی یکدیگر را ترقی دهند این است  
اقتران بهائی .

از کتاب هدیه ازدواج صفحات

۲۰ و ۲۱

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*

## خدمت خلق

### " آثار قلم اعلیٰ "

مممممممممممممممم

( ٢٢٨ ) مقام انسان بلند است اگر به انسانیت مزین  
والّا پست تر از جمیع مخلوق مشاهده میشود بگو  
ای دوستان امروز را غنیمت شمرد و خود را از فیوضات  
بحر تعالی محروم ننمائید .

از کتاب امر و خلق جلد ٣ صفحه ١

( ٢٢٩ ) امروز انسان کسی است که بخدمت جمیع مــــن  
علی الارض قیام نماید طوبی لمن اصبح قائما علی  
خدمة الامم . کتاب اخلاق بهائی صفحه ١٢٨

( ٢٣٠ ) یا ابن الانسان لو تكون ناظرا الى الفضل  
ضع ما ينفعك و خذ ما ينتفع به العباد و ان تكن  
ناظرا الى العدل اختر لدونك ما تختاره لنفسك  
انّ الانسان مرّة يرفعه الخضوع الى سماء العزّة و  
الاقتدار و اخرى ينزله الفرور الى اسفل مقام الدّلة  
والانكسار .

کلمات فردوسیہ صفحات ١١٩ و ١٢٠

( ۲۳۱ ) ای دوستان در سبیل رضای دوست مشی نمائید  
 و رضای او در خلق او بوده و خواهد بود یعنی  
 دوست بی رضای دوست خود در بیت او وارد نشود  
 و در اموال او تصرف ننماید و رضای خود را بر  
 رضای او ترجیح ندهد و خود را در هیچ امری  
 مقدّم شمارد فتفگروا فی ذلک یا اولی الافکار .  
 کلمات مکنونه

( ۲۳۲ ) لا تتعرضوا باحد ولا تجادلوا بنفس ان وجدتم  
 من مقبل زگروه بکلمة الاعظم و ان وجدتم من معرض  
 فاعرضوا عنه ثم اقبلوا الی الله ربکم و انه ینصکم عن  
 العالمین . کتاب بدیع چاپی صفحه ۴۰۸

( ۲۳۳ ) تا قدرت و قوت باقی است در صد آن باشید که  
 ضری از مظلومی رفع نمائید .

مجموعه الواح مهارکه لوح رئیس فارسی صفحه ۱۱۱

( ۲۳۴ ) ای اهل بهاء کلّ قطرات یک بحرید و اشراقات  
 یک شمس باکمال استقامت و اتحاد بر نصرت امرقیام  
 نمائید شاید اختلاف از ما بین احزاب رفع شود و آفاق بنور  
 اتفاق منور گردد . لوح خطی شماره ۱۸۱ و ۱۸۲

۲۳۵) ای پسران تراب اغنیا را از ناله سحرگاهی فقرا  
 اخبار کنید که مبادا از غفلت بهلاکت افتند و از سدره  
 دولت بی نصیب مانند الکریم والجدود من خصالسی  
 فهنیئا لمن تزین بخصالی . کلمات مکنونه

۲۳۶) هر امری که قلب را راحت نماید و بر برزگی انسان  
 بیفزاید و ناس را راضی دارد مقبول خواهد بود  
 از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۱

۲۳۷) اگر نفسی لله خاضع شود از برای دوستان الهی  
 این خضوع فی الحقیقه بحق راجع است چه که ناظر  
 به ایمان اوست بالله در این صورت اگر نفسی مقابل  
 به مثل او حرکت ننماید و یا استکبار از او ظاهر نشود  
 شخص بصیر به علو عمل خود و جزای آن رسیده و  
 میرسد و ضرر عمل نفس مقابل بخود او راجع است و  
 همچنین اگر نفسی بر نفسی استکبار نماید آن استکبار  
 بحق راجع است نعوذ بالله من ذلك یا اولی الابصار.  
 کتاب اقتدارات ص ۲۱۶

۲۳۸) ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمائید که  
 قسم یاد نموده ام از ظلم احدی نگذرم و این عهدیست  
 که در لوح محفوظ محتوم داشتم و به خاتم عزّ مختوم  
 کلمات مکنونه



تا در مراتب وجود ترقّی و صعود نمایند و نهایت  
 آرزوی هر يك این باشد که نوعی روش و حرکت نمایند  
 که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه  
 نظرگاهش همواره خلق و خوی حقّ باشد و روش و رفتار  
 سبب ترقّیات نامتناهی گردد چون به این مواهب  
 موفق شود میتوان گفت که بهائیت والا در این دور  
 مبارک که فخر اعصار و قرون است ایمان عبارت از اقرار  
 به وحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمیع شعب و کمالات  
 ایمان است . کتاب اخلاق بهائی صفحات ۹ و ۱۰

۲۴۳) شماها باید به آنچه سبب آسایش عالم انسانیت  
 تشبّث نمائید یتیمها را نوازش کنید گرسنهها را  
 سیر نمائید برهنه ای را بیوشانید بیچاره ای را دستگیر  
 کنید تا مقبول درگاه الهی شوید .  
 کتاب اخلاق بهائی صفحه ۶۰

۲۴۴) معاونت نوع بشر از اعظم احکام و اوامر جلیل اکبر  
 است علی الخصوص به یاران الهی که در عالم جسمانی  
 و روحانی هر دو اعضاء و اجزاء یکدیگرند .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۶۱

- ۲۴۵) شرکس خادم احباب است سرور اصحاب است  
هر که چاکر دوستان است شهریار دوجهان است
- ۲۴۶) خدمت یاران خدمت حق است و عبودیت آستان  
سلطنت شرق و غرب طوبی لکل خادم لاجباً الله .  
کتاب اخلاق بهائی صفحه ۱۳۱
- ۲۴۷) ای یاران شرق و غرب از اعظم اساس دین الله  
و معانی کلمه الله و تکلیف احبب الله تعاون و تعاضد  
است زیرا عالم انسانی بلکه سایر کائنات نامتناهی به تعاون  
و تعاضد قائم و اگر تعاون و تعاضد متبادله در بین کائنات نماند  
وجود بگلی متلاشی گردد . کتاب امر و خلق جلد ۳ ص ۱۶۱ و ۱۶۲
- ۲۴۸) شکر کن خدارا که خادم یارانی و چاکر دوستان  
بنده آستانی و پاسبان عتبه رحمان در عالم امکان  
بندگی احببای الهی آزادگی دوجهانست و آسودگی  
دل و جان سلطنت معنویه است و موهبت ربانیه  
این تاج اکتلیل جلیل این عبداست که بر سر نهاده  
و این خدمت موهبت رب است که به آن فائز شدی  
والشکر لله علی ذلك لیل و نهاراً و انطق  
بثنائه خفیاً و جهاراً .  
از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۱۳۱



۲۴۹) ای خادم مسافران این خادمی نیست  
 پادشاهیست و چاکری نیست شهریار است منتهی  
 آمال این عبد این است که بچنین خدمتی مفتخر  
 گردد ولی کجا میسر یا لیت کنت معك فافوز فوزا  
 عظیما خدمت یاران موهبت رحمن است و بندگی  
 دوستان آزادگی و وجهان خادم احبّا خادم  
 جمال ابهی است و چاکر یاران سرور هر دو جهان .  
 کتاب اخلاق بهائی صفحات ۱۳۱ و ۱۳۲

۲۵۰) ای یاران رحمن وقت اتحاد است و اتفاق  
 و زمان یگانگی و آزادگی، به یکدیگر مهربان باشید  
 و خدمت همدیگر پردازید اول خادم شما منم  
 و اول غلام شما من قسم بجمال قدم روحی و ذاتی  
 و کینونتی لا حبّائۀ الفداء که رویم بنور خدمت  
 دوستان حق روشن و مشامم بنفحات محبت یاران  
 معطر نهایت آمال و آرزویم این است که بخدمت  
 يك از دوستان پردازم .

کتاب اخلاق بهائی صفحه ۱۳۴

۲۵۱) خادم احبّا خادم جمال ابهی است من احبّه

خدم احبائه این عبد را منتهی آرزو این است که در خدمت دوستان جمال ابهی خادم صادق مردم و چاکر موافق شب و روز دامن خدمت بر کمر زنم و از شجره وجود شمر برم قامتی که در خدمت دوستان خمیده نگر در خشب مسنده است و قدی که در تحمّل مشقت یاران منحنی نشود اعجاز نخل خاویه است پس خوشا بحال تو که متحمّل خدمت دوستانی و بنده حلقه بگوش یاران این سلطنت کونین است و عزت دارین .

از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۱۳۲

۳۵۲) باید که جمیع یاران الهی در نهایت خضوع و خشوع و تذلل و انکسار به عبودیت یکدیگر قیام نمایند و در منتهای اتحاد و اتفاق و الفت و یگانگی بکوشند الیوم هر خاضع و خاشع که بهیچوجه راحه وجود در او نیست و به بندگی جمیع دوستان قائم در ملکوت ابهی رویش چون مه تابان تابنده و درخشنده و هدایت بخشنده . از کتاب مکاتیب جلد ۴ ص ۱۰

۲۵۳) خدا استعدادی را که بشما عنایت فرموده برای این است که در خدمت ملکوتش صرف نمائید زیرا در هر

امری استعداد خود را صرف کنید نتایجش محدود است مگر در امر الهی و خدمت بوحدت عالم انسانی و انتشار کمالات روحانی که نتایج آن غیر محدود است هر انسانی که در سبیل الهی جانفشانی نماید چون شمع در انجمن عالم بدرخشد .

کتاب اخلاق بهائی ص ۱۳۷

( ۲۵۴ ) من جمیع را دوست میدارم و بشما نصیحت مینمایم که بفقرا مهربان باشید محبت نمائید آنها را دستگیری کنید زیرا فقرا دل شکسته اند اگر شما بجهت اغنیاء جان نثاری نمائید گمان میکنند مجبور نیست ولسی چون بفقرا محبت کنید از صمیم قلب ممنون و خوشنود میشوند لهذا رعایت فقرا واجب است .

کتاب اخلاق بهائی ص ۶۰ و ۶۱

( ۲۵۵ ) عقوبات جزاییه بر دو قسم است يك قسم انتقام است يك قسم قصاص است و این قصاص مدافعه از حقوق بشر است نه انتقام زیرا انتقام تشفی صدر است که از مقابله بالمثل حاصل گردد و این جائز نه زیرا بشر حقیق انتقام ندارد .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۲۹

## صدق و انصاف

"آثار قلم اعلى"

مممممممممم

( ٢٥٦ ) عليكم بالصدق الخالص لأن به يزين انفسكم  
ويرفع اسمائكم ويعلو مقداركم ويزداد مراتبكم بين  
ملاء الارض وفي الآخرة لكم اجر كان على الحق عظيم .  
كتاب امر وخلق جلد ٣ صفحه ١٤٧

( ٢٥٧ ) ان يا عبد تخلق به اخلاقي ثم امشى على اثرى  
وان الفضل لن يقابله فضل العالمين ثم زين لسانك  
بالصدق ثم هيكلك برداء الانصاف ان انت  
من العاطلين . كتاب خطى صفحه ٥٣

( ٢٥٨ ) قل لا تكونوا من اهل الاعتساف ان افتحوا بصر  
الانصاف ولا تتكلموا بما تحترق به الافئدة والعقول .  
كتاب خطى صفحه ١٩٧

( ٢٥٩ ) قل يا قوم زينوا رؤوسكم بالصدق والانصاف ثم  
هياكلكم بحلل العرفان اياكم ان لا تبدلوا مدينة الله  
بينكم ولا تكونوا من الذين يقولون ما لا يفعلون  
ويكونن من المستكبرين .

ازلوح " رضوان الاقرار " صفحه ٦٠

۲۶۰) اَيَّاكَ اِنْ لَا تَحْتَجِبُ لِسَانَكَ بِحِجَابِ الْكُذْبِ لِآلِهٍ  
يَخْزِي الْاِنْسَانَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ اِجْمَعِينَ قُلْ يَا قَوْمِ  
وَفُوا بِمَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَحْرَمُوا الْفُقَرَاءَ عَمَّا عِنْدَكُمْ لَانَ  
بِذَلِكَ تَمْنَعُ الْخَيْرَ مِنْ سَحَابِ فَضْلِ رَفِيعٍ ثُمَّ اتَّبِعُوا مَا  
قَدَّرْ لَكُمْ فِي الْكِتَابِ وَكُونُوا فِي الْفِعْلِ اَزِيدَ مِنَ الْقَوْلِ  
تَاللَّهِ هَذَا سَجِيَّتِي وَسَجِيَّةَ الْمُقَدَّسِينَ .

الواحد خطی صفحه ۳ هـ

۲۶۱) حمد الله ثم حمد الله که از یال ظاهره مقدسه را  
از از یال نفوس خائنه کاذبه ممتاز فرمود تا صاحبان  
ابصار و عدل و انصاف اعمال و افعال صاحبان امانت  
وتقوی و اصحاب ضلالت و فحشاء را مشاهده نمایند  
راستی و درستی مستور نماند و بمشابه آفتاب مشرق  
و لایع گردد زهی خسارت از برای نفوسی که به زخارف  
دنیا از امانت و صدق و صفا گذشتند و به کذب و افتراء  
تمسک جستند .

کتاب استنساخ آیات شماره ۳ صفحه ۴۷۴

۲۶۲) الحمد لله که آن جناب بخدمت امر فائز شده و  
بکمال صدق و صفا و امانت مابین خلق ظاهر گشته  
هر نفسی الیوم بصفات مرضیه ظاهر شود او مبلغ امر است  
چه که افعال پسندیده و اخلاق و صفات شایسته

بنفسها مروج امر محبوب عالم است چنانچه این  
معنی از قلم اعلیٰ به عبارت شتی در الواح نازل شده  
طوبی للعاملین و نعیماً للفائزین .  
استنساخ آیات شماره ۳ صفحہ ۳

۵۱۹ و ۵۱۸

( ۲۶۳ ) باید در امور اغماض نکنند بحق و صدق تکلم  
کنند اهل بهاء باید اجرا حدی را انکار ننمایند  
و ارباب هنر را محترم دارند و بمثابهٔ حزب قبل لسان  
را به بدگوئی نیالایند . لوح طرازات صفحہ ۱۵۳

( ۲۶۴ ) وصیت میکنیم شمارا به رأفت و رحمت و حلم و  
امانت و صدق که شاید عالم تیره بمعنایت سراجهای  
اخلاق مرضیه و اعمال طیّیه روشن و منیر گردد .  
کتاب عکسی شماره ۲ صفحہ ۱۲۵

( ۲۶۵ ) صدقی که عند اللّٰه محبوب بوده آنست که بشنا  
نفسش قیام نمائی و به ذکر امرش مشغول شوی چه که  
هدیچ صدقی با کلمه ای که لّٰه به آن تکلم میشود  
برابری نموده و نخواهد نمود پس خوشا حال آن نفوسی  
که به این رتبهٔ بلند اعلیٰ فائز شوند و از برای صدق  
مراتب لا یحصى عند اللّٰه مقرر است که ذکر آن در این

ورقه ننگجد و از جمله آن مراتب صدقی است که درمیانۀ ناس معروف است و به این رتبه که انشاء اللہ فائز شده پس سزاوار آنکه جهد ضیع میذول داری که بصدق اعظم که طائف حول منظر اکبر است فائز شوید و مرزوق گردید فہنیثا للواصلین .

"لوح جناب ملا صادق مقدّس" ص ۱۱۹ و ۱۲۰

(۲۶۶) مقصود از کتابهای آسمانی و آیات الہی آنکہ مردمان به راستی و دانائی تربیت شوند کہ سبب راحت خود و بندگان شوند .

از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحہ ۱

(۲۶۷) لسان مشرق انوار صدق است او را مطلع کلمات کذب نمائید زبان گواه راستی من است او را به دروغ میالائید .

از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحہ ۱۴۷

(۲۶۸) بر هر نفسی لازم است کہ این ایام قلیله را بصدق و انصاف طی نماید اگر بعرفان حق موقّ نشد اقلا بقدم عقل و عدل رفتار نماید .

لوح رئیس فارسی صفحہ ۱۱۰

مجموعه الواح چاپ مصر

۲۶۹) لا زال این عید از عباد الله جز صدق و انصاف  
 نخواستہ و نخواهد خواست و کفی بالله شهید را  
 به وهم متشبث شدی و از عروه یقین منفصل بشنو  
 ندایم را دین را به دنیا مده و به وهم تکلم منما .  
 الواح خطی صفحه ۲۸۰

۲۷۰) یا ابن اصدق المقدس کل را وصیت نما بعدل  
 و انصاف و استقامت و ائتلاف باید از امری که علی  
 قدر سم ابره از آن راعحه فساد استشمام شود  
 احتراز نمایند این است وصیت الهی که در زیر  
 و الواح از قلم امر جاری و نازل گشته طوبی للعاطین  
 و طوبی للعارفین انتهى .

از کتاب خطی شماره ۵ صفحه ۱۲۵

۲۷۱) تورا وصیت مینماید به راستی و انصاف چه اگر  
 جمیع خلق عالم بطراز انصاف مزین میشدند از عرفان  
 اسم اعظم و مالک قدم محروم نمیگشتند .

کتاب استنساخ آیات شماره ۳ صفحه ۱۰۰

۲۷۲) بصدق خالص تکلم نما و به حق ناطق شو  
 و به مواعظ حسنه و نصایح مشفقه عباد محجوب را



بشطر محبوب هدایت کن . کتاب خطی صفحه ۲۴۳

( ۲۷۳ ) تورا وصیّت مینمائیم در جمیع امور بمعدل و انصاف این دو هادی نفوسند و حافظ و حافض و جود من عند الله مالک الغیب والشّهور .  
کتاب خطی شماره ۴ صفحه ۵۰

( ۲۷۴ ) یا ابن الرّوح احبّ الاشیاء عندی الانصاف لا ترغب عنه ان تكن الیّ راغبا ولا تغفل منه لتكون لی امینا و انت توفّق بذلك ان تشاهد الاشیاء بعینک لا بعین العباد و تعرفها بمعرفتک لا بمعرفة احد فی البلاد فگرفی ذلك کیف ینبغی ان یکون ذلك من عطیّتی علیک و عنایتی لک فاجمله امام عینک .  
کلمات مکنونه عرّسی

( ۲۷۵ ) انسان اگر به حبل انصاف متمسک شود از هیچ امری محتجب نمینماید . استنساخ آیات ۳ ص ۲۳  
( ۲۷۶ ) ای علی بگو به احبّای الهی که اول انسا<sup>نیت</sup>  
انصاف است و جمیع امور منوط به آن .

لوح امین صفحه ۲۹۳ کتاب مبین

## صدق و انصاف

" حضرت عبدالبهاء "

مممممممممممممممممم

( ۲۷۷ ) ای بندهٔ صادق الهی نوری روشن ترا از صدق و راستی نه حقیقت انسانیّه را این موهبت چنان تزئین نماید که جمیع خطایای انسان را مستور مینماید در کاشانهٔ قلب چون شمع راستی برافروخت جمیع ارکان و اعضا و قوی و اخلاق مانند زجاج از این سراج روشن و درخشنده گردند و علیک التّحیّة والثناء ع ع

## جزوهٔ تجزیهٔ آیات

( ۲۷۸ ) جمیع معاصی به یک طرف و کذب به یک طرف بلکه سنّات کذب افزون تر است و ضررش بیشتر راست گو و کفر گو بهتر است که کلمهٔ ایمان بر زبان رانی و دروغ گوئی . کتاب اخلاق بهائی صفحهٔ ۱۰۸

( ۲۷۹ ) هر نفسی از شما در هر شهری وارد گردد بخلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی بعموم عالم انسانی مشار بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائی است

زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی  
 این شخص از خصائص بهائیان است تا به این مقام  
 نیاید به عهد و پیمان الهی وفا ننموده اید زیرا  
 بنصوص قاطعه از جمیع ما میثاق و شیق گرفته که  
 بموجب وصایا و نصایح الهیه و تعالیم ربّانیه رفتار  
 نمائیم . " لوح احبای امریک "

از جزوه تجزیه آیات صفحه ۱۵۹

— عدم راستی و نادرستی و عدم حقیقت پرستی مذموم  
 و مقدوح خواه با آشنا و خواه با بیگانه خواه با  
 دوست و خواه با دشمن زیرا عدم راستی و خلاف  
 دوستی در هر صورت خیانت است و شقاوت پس  
 عداوت و دشمنی بعضی نفوس را بهانه نمائید  
 و از آنچه مکلف به آن هستید از موّت جمیع  
 نفوس و مهربانی با جمیع خلق و صداقت با کلّ بشر  
 و خیرخواهی عموم اهل عالم از هر ملت و مذهب  
 و آئین رو بر نگردانید .

کتاب استنساخ آیات شماره ۴ صفحه ۹۹

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

عدم مداخله در سیاست

” آثار قلم اعلیٰ ”  
مممممممممممم

( ۲۸۰ ) لیس لاحد ان یعترض علی الذین یحکمون  
علی العباد دعوا لهم ما عندهم وتوجهوا  
الی القلوب . کتاب مستطاب اقدس

( ۲۸۱ ) یا اولیاء اللہ و امناءه طوک مظاهر قدرت  
و مطالع عزت و ثروت حقّاند درباره ایشا ن  
دعا کنید حکومت ارض به آن نفوس عنایت شد  
و قلوب را از برای خود مقرر داشت .  
مظاهر حکم و مطالع امر که به طراز عدل و انصاف  
مزین اند بر کُل اعانت آن نفوس لازم .  
از کتاب عهدی

( ۲۸۲ ) این مظلوم امام کعبه الهی عهد مینماید  
از این حزب جز صداقت و امانت امری ظاهر نشود .  
از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۶۶

( ۲۸۳ ) ابدا در امور دنیا و ما یتعلّق بها و رؤسای  
ظاهره آن تکلم جائز نه حقّ جلّ و عزّ مملکت

ظاهره را به ملوک عنایت فرموده بر احدی جائزه  
که ارتکاب نماید امری را که مخالف رأی رؤسای  
مملکت باشد .

از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۶۹

( ۲۸۴ ) امثال این امور به ملوک راجع ایشانند مظاهر  
قدرت الهی و مطالع عزت ربّانی بعد از مصرف  
حضرت باری جلّ جلاله و امر لازم خدمت  
و اطاعت دولت و تمسّك بحکمت این دو سبب  
ارتفاع و ارتقاء وجود و ترقّی آن است .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۷۰

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*

\*

عدم مداخله در سیاست

” حضرت عبدالبهاء ”

مممممممممممم

۲۸۵) احبای الهی را همواره دلالت و وصیت نمائید که جمیع شب و روز به آنچه سبب عزت ابدیّه ایران است پردازند و در تحسین اخلاق و آداب و بذل همّت و مقاصد ارجمند و الفت و محبت و ترقّی و اتّسع صناعت و زراعت و تجارت سعی بلیغ و جهد عظیم مبذول دارند .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۹۱

۲۸۶) هر نفسی را می بینید در امور سیاسی صحبت میدارد بدانید که بهائی نیست این میزان است زیرا اساس امر بهائی الفت بین جمیع ملل و ادیان است و مکالمات سیاسی سبب تفرقه و حصول ضدیت و تعصّب . کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۷۸

۲۸۷) مداخله در امور سیاسیّه عاقبت پشیمانی است لا یسمن ولا یغنی باید از عموم احزاب در کنار بود افکار را در آنچه سبب عزت ابدیّه است بکار برد کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۷۵

۲۸۸) در هر مملکت که هستید بحکومت درنهایت اطاعت باشید و بکمال رغبت و محبت و راستی و درستی در تحت حمایت مرکز سلطنت باشید تا بتوانید بکوشید که حکومت آن سامان نهایت رضایت و امنیت از شما داشته باشد این قضیه در الواح مبارکه اوامر قطعیه است که زره ای فتور در آن جایز نه .  
کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۷۴

۲۸۹) به احبّاء الله بگو که نفسی ابداء در امور حکومت لساناً فعلاً حکایه مداخله ننماید و همیشه به دعای خیر در حق اولیاء امور مشغول شوند زیرا به نصّ قاطع از مداخله ممنوع اند .  
از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۷۴

۲۹۰) احبّاء قطعياً نباید به هیچ حزبی داخل شوند و در امور سیاسیه مداخله نمایند احبّاء باید به آبادی ایران پردازند یعنی در صناعت و زراعت و تجارت و معارف و علوم بکوشند .

نقل از کتاب حیات بهائی صفحه ۱۵۴

۲۹۱) حزب الله ابداء در امور سیاسیه مداخله نکنند

به نصّ قاطع ممنوعند و هرنفسی از این طایفه در امور سیاسی مداخله نماید دیگران از او دوری جویند بلکه تبرّی نمایند بهائی رهبر راستی و دوستی بوده و با عالمیان در صلح و آشتی حتّی اعدای خویش را احبّاً شمرد و بدخواهان را خیرخواه گردد .  
 کتاب حیات بهائی صفحه ۱۵۴

( ۲۹۲ ) این است مسلک اهل بهاء خدمت به اخلاق کنند و ترویج خصائل و فضائل عالم انسانی نمایند خادم و جان فشان عمومند و جان فشان خصوص این نفوس را پروازی دیگر است و آوازی دیگر از جهان دیگر دم زنند و به عالم دیگر بخوانند .  
 کتاب حیات بهائی صفحه ۱۵۴

( ۲۹۳ ) حزب الله را در امور سیاسی مداخلی نه و از حکومت عالم شکر و شکوه ای نیست از جمیع احزاب درکناریم و با چشم اشکبار از برای امم و ملل فضل و موهبت پروردگار طلبیم باید یاران سبب الفت عالم انسانی گردند و مروج اتحاد و یگانگی اقوام و ملل به نفس رحمانی شوند بهائی را همت بلند



است و مقاصد ارجمند اینگونه منازعات را سزاوار  
نفوس عادی و اندیشه های عالم بشری شمرند  
باری ما را با احزاب نه الفتی و نه کلفتی .

کتاب حیات بهائی صفحه ۱۵۵

( ۲۹۴ ) میزان بهائی بودن و نبودن این است که هرکس  
در امور سیاسیّه مداخله کند و خارج از وظیفه خویش  
حرفی زند یا حرکتی نماید همین برهان کافیت که  
بهائی نیست دلیل دیگر نمیخواهد حال نفسی از  
احبا اگر بخواهد در امور سیاسیّه در منزل خویش یا محفل  
دیگران مذاکره بکند اول بهتراست نسبت خود را از این  
امر قطع نماید و جمیع بدانند که تعلق به این امرند از  
خود میدانند و الا عاقبت سبب مضرت عمومی گردد  
یعنی مسلک روحانی ما را بهم زند و احبا را مشغول  
به اقوالی نماید که سبب تدنی و محرومی آنان گردد .

کتاب حیات بهائی صفحه ۱۵۵

( ۲۹۵ ) در ایران کسی که از حکومت اطاعت و تمکین دارد  
حزب الله است زیرا بتلویح بلکه بنص صریح مأمور  
به اطاعت حکومتند و صداقت به دولت بلکه جان فشانی

( ١٢٢ )

بجہت عزت ابدیہ عالم انسانی .  
حیات بہائی صفحہ ٦٦

عفت و عصمت

” آثار قلم اعلى ”  
مممممممممممممممممم

( ٢٩٦ ) ان امرؤا عبادى و امائى بالعصمة و التّقوى  
لعلّ يقومن من رقد الهوى و يتوجّهنّ الى اللّٰه  
فاطرا الارض و السّماء . لوح سحاب صفحہ ١٦٢

( ٢٩٧ ) تبارك الذى منع اصفياؤه عن الفساد و البفسى  
و الفحشاء و امرهم بالبرّ و الصّلاح و التّقوى .  
اولياء را در جميع احوال بسكون و اطمینان و اصلاح  
امور عباد و تهذيب نفوس و امانت و ديانت و عصمت  
و عفت و صیّت نما . لوح ابوالفضائل صفحہ ٣٦٥  
مجموعه الواح مبارکه

( ٢٩٨ ) انا حللنا لكم اصفاء الاصوات و التّغمات اياكم  
ان يخرجكم الاصفاء عن شأن الادب و الوقار  
افرحوا بفرح اسمى الاعظم الذى به تولهت الأفتدہ  
و انجذبت عقول المقرّبين . كتاب اقدس

( ۲۹۹ ) کونوا فی الطرف عفیفا و فی الید امینا  
 و فی اللسان صادقاً و فی القلب متذکراً لا تسقطوا  
 منزلة العلماء فی البهائم و لا تصفروا قدر من یعدل  
 بینکم من الامرا اجعلوا جندکم العدل و سلاحکم  
 العقل و شیمکم العفو و الفضل و ما تفرح به افئدة  
 المقربین . لوح حکمت صفحه ۳۹ ( مجموعه الواح  
 مبارکه )

( ۳۰۰ ) اعطوا ما لا تنکره العقول المستقیمه و لا تجعلوا  
 انفسکم ملعبة الجاهلین . کتاب مستطاب اقدس

( ۳۰۱ ) بلی در وجود آیتی موجود و آن انسان را از آنچه  
 شایسته و لایق نیست منع مینماید و حراست میفرماید  
 و نام آنرا حیا گذارده اند و لکن این فقره مخصوص  
 است به معدودی، کلاً دارای این مقام نبوده و  
 نیستند . کلمات فردوسیه صفحه ۱۱۹

( ۳۰۲ ) بگو طراز اعظم از برای امام عصمت و عفت بوده و  
 هست لعمر الله نور عصمت آفاق عوالم معانی را روشن  
 نماید و عرفش بفردوس اعلی رسد .

کتاب خطی شماره ۱۰ صفحه ۱۶۰

۳۰۳) در لیالی و ایام اولیا را ذکر نمودیم و به  
 عفت و عصمت و امانت امر فرمودیم بعضی آگاه  
 گشته و کوشش عرفان را از ید عطاى حقّ جلّ جلاله  
 نوشیده و برخی انکار نمودند و بر کفران نعمت الهی  
 دهان گشودند . کتاب خطی شماره ۱۱۷ ( لـسوح  
 نورابن کمال ) صفحه ۲۶۲

۳۰۴) انسان بمثابه<sup>۱</sup> سیف است و جوهر آن بردباری  
 و پرهیزکاری است . کتاب خطی ۱۱ صفحه ۱۱۰

۳۰۵) از حقّ می طلبیم اما<sup>۲</sup> خود را بطراز عفت و امانت  
 و صدق و صفا مزین فرماید آنه هو الفیاض الکریم .  
 کتاب استنساخ آیات شماره ۳ صفحه ۳۵

۳۰۶) آسمان خرد به دو آفتاب روشن بردباری و  
 پرهیزکاری ای اهل زمین پند دوست یگانه را  
 بشنوید و چون جان حفظش نمائید .  
 کتاب استنساخ آیات شماره ۵ صفحه ۸۴

۳۰۷) قل یا حزب الله زینوا روسکم باکلیل الانقطاع  
 وهیاکلکم باثواب العقه والا مانه والصدق والصفاء

كذلك انزلنا الكتابُ زیناهُ بالا و امر والا حکام من  
لدى الله الناطق العزیز الحکیم .

از کتاب خطی شماره ۴ صفحه ۷۷

( ۳۰۸ ) آمده ام که در این عالم پر آرایش که از ظلم  
ظالمین و تعدی خائنین باب آسایش بر تمام وجود  
سد و داست بحول الله و قوتش چنان عدل و امانت  
وصیانت و دیانتی در آن ظاهر و باهر نمایم که  
اگر یکی از پرده نشینان خلف حجاب که پرتو جمالش  
آفتاب را به زره در حساب نیاورد و در شئون تن  
بی نظیر و بی مثال باشد بجمیع جواهرها و زینت‌ها  
خارج از احصای اولی النبی مزین و بی حجاب از  
خلف حجاب بیرون آید و بتنهائی بی رقیب از شرق  
ابداع تا غرب اختراع سفر نماید و در هر دیاری  
دیار و در هر اقلیمی سیار شود انصاف و امانت  
و عدل و دیانت به درجه ای باید برسد که  
یک نظر خیانت و شهوت بجمال و عصمت او باز  
نگردد و تا بعد از سیر در دیار با قلبی بی غبار  
و وجهی پر استبشار بمحل و موطن خود راجع شود .  
از کتاب هدیه ازدواج " لوح پنج کنز " صفحات

## عفت و عصمت

## ” حضرت عبدالبهاء ”

مممممممممممممممممممممم

۳۰۹ ( اهل بهاء باید مظاهر عصمت کبری و عفت عظمی باشند در نصوص الهیه مرقوم و مضمون آیه بفارسی چنین است که اگر ربّات حجال به ابداع جمال برایشان بگذرند ابدان نظرشان به آن سمت نیفتد مقصد این است در تقدیس و تنزیه و عفت و عصمت و ستر و حیا و حجاب مشهور اهل آفاق گردند تا کُل بر پاکي و طهارت و کمالات عفتیه ایشان شهادت دهند زیرا زره ای عصمت اعظم از صد هزار سال عبادت و دریای معرفت است عفت و عصمت از اعظم خصلت اهل بهاء است و رقات موقنه مطمئنه باید در کمال تقدیس و تنزیه باشند.

کتاب حیات بهائی صفحه ۷۴

۲۱۰ ( باید به عون و عنایت الهیه بجوهر تقدیس و سازج تنزیه مبعوث شویم تا آیات مقدسه جمال قدم گردیم و بینات واضحه کور اعظم شویم و این ممکن نیست مگر آنکه دامن تقدیس را مطهر کنیم و روی اخلاق را منور نمائیم به شأنیکه در میان کُل احزاب چون آفتاب بدرخشیم و در بین جمیع اقوام چون اعلام بر اتلال اسم از نسیم عنایت بحرکت آئیم . کتاب استنساخ الواح صفحہ ۳۳۳ و ۳۳۴

عفت و عصمت  
 "حضرت ولی امرالله"  
 م م م م م م م م م م

( ۳۱۱ ) رجال و نساء احبباء الله بايد در مقامات وحدت و یگانگی و عفت و فرزانیگی ترقیات روز افزون داشته باشند به درجه ای که ام سائره به آنها تأسی نمایند و شیفته اعتدال احوال و اخلاق ایشان شوند .

از کتاب اخلاق بهائی صفحات ۲۴۴ و ۲۴۳

( ۳۱۲ ) اما راجع بقضیه رقص و تقلید البسه نساء غرب فرمودند : اول وظیفه محفل ملی بهائیان در این ایام که اخلاق در آن سامان تدنی نموده و تقلید و عدم تقید و لا مذهبی رواجی شدید یافته این است که جمهور بهائیان را از قبل این عهد کراماً و مراراً در کمال تأکید و بنهایت صراحت تذکر دهند که تجاوز از آداب بهائی و مخالفت مبادی سامیه امریه راجع بتقدیس و تنزیه و عفت و عصمت و اعتدال در امور و اجتناب از سیئات اهل غرب و عادات مذمومه غیر مرضیه آنان تولید مفساد عظیمه ای در جامعه نماید و بنیه جامعه را ضعیف نماید و از رونق بیندازد بهائیان باید همت در ترویج و اقتباس از حسنات اهل غرب نمایند نه تقلید سیئات آنان را امتیاز بهائیان حقیقی در این است لا غیر . از کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحات ۷۰ و ۷۱

صحبت و مهربانی

”آثار قلم اعلیٰ“

مممممممممممممم

( ۳۱۳ ) عاشروا یا قوم بالروح والریحان لعمری سیفنی  
من فی الامکان و ما یبقی هو العمل الطیب و کان اللہ  
علی ما اقول شهیدا . کتاب مستطاب اقدس آیه ۱۷۲

( ۳۱۴ ) قل یا احبباء اللہ لا تعملوا ما یتکدّر به صافی  
سلسبیل المحبّة و ینقطع به عرف المودّة لعمری  
قد خلقتم للوداد لا للصفینة والعناد .

لوح حکمت صفحه ۳۹

( ۳۱۵ ) یا ابن الانسان لكل شیئی علامة و علامة الحبّ  
الصبر فی قضائی والاصطبار فی بلائی .  
کلمات مکنونه

( ۳۱۶ ) مقصود از ظهور و ذکر و بیان آنکه نفاق برخیزد  
و بجایش اتّفاق مقام اخذ نماید و کلّ بصفات و اخلاق  
مبارکه ممدوحه که سبب حفظ و علّت ارتفاع است مزین  
گردند . کتاب استنساخ آیات شماره ۵ ص ۱۰۲ و ۱۰۳

( ۳۱۷ ) طراز دّوم معاشرت با ادیان است به روح و ریحا  
ن



واظهار ما اتی به مکلّم الطّور و انصاف در امور  
 اصحاب صفا و وفا باید با جمیع اهل عالم به روح و  
 ریحان معاشرت نمائید چه که معاشرت سبب اتّحاد  
 و اتّفاق بوده و هست و اتّحاد و اتّفاق سبب نظام  
 عالم و حیات امم است طوبی از برای نفوسی که بحبل  
 شفقت و رأفت متمسکند و از ضغینه و بغضا فارغ و  
 آزار . از کتاب مجموعه الواح مبارکه صفحه ۹

( ۳۱۸ ) ابهی ثمره شجره دانش این کلمه علیا است  
 همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار  
 لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم .  
 از مجموعه الواح مبارکه صفحه ۴۰

( ۳۱۹ ) ای دانایان امم از بیگانگی چشم بردارید و به  
 یگانگی ناظر باشید و به اسبابی که سبب راحت و آسایش  
 عموم اهل عالم است تمسک جوئید این یک شبر عالم  
 یک وطن و یک مقاصت از افتخار که سبب اختلاف  
 است بگذرید و به آنچه علّت اتّفاق است توجه  
 نمائید . از کتاب مجموعه الواح مبارکه صفحه ۵۷

( ۳۲۰ ) نصائح قلم اعلی را بگوش هوش بشنوید عموم اهل

عالم باید از ضرر دست و زبان شما آسوده باشند .  
باید از شما ظاهر شود آنچه که سبب آسایش و راحت  
بیچارگان روزگار است . مجموعه الواح مبارکه ص ۱۱۷

( ۳۲۱ ) ای دوستان بمنزله سراج باشید از برای عالم  
ظلمانی و بمثابه نور باشید از برای تاریکی با جمیع  
اهل عالم بکمال محبت و مودت رفتار کنید اجتناب  
و جدال و فساد کل در این ظهور اعظم منع شده  
نصرت به اعمال طیبه و اخلاق مرضیه بوده و خواهد  
بود تصسکوا بالاستقامة الكبرى فی امریکم مالک  
الوری ثم اعطوا بما اتمم به فی کتاب ربکم العلیم  
الحکیم . از کتاب " دریای دانش " صفحه ۱۰۸

( ۳۲۲ ) قسم به اسم اعظم حیفاست این ایام نفسی  
بشئونات عرضیه ناظر باشد بایستید بر امر الهی و با  
یکدیگر بکمال محبت سلوک کنید خالصاً لوجه المحبوب  
حجبات نفسانیّه را به نار احدیّه محترق نمائید  
و با وجوه ناضره مستبشره با یکدیگر معاشرت کنید .  
از کتاب اقتدارات " لیلۃ الاتحاد " ص ۱۶ و ۲۱۷

( ۳۲۳ ) این نظر به محبتی است که این فانی بدوستان

الهی داشته و دارد و میخواهد در کلّ احیان از انهار  
خضوع و خشوع و تسلیم و رضا اراضی وجود عالم را  
سقایه نمایند تا به اوراد و اوراق و اثمار لطیفه منیمه  
جنیه ظاهر گردند .

۲۱۱  
کتاب استنساخ آیات " لوح میرزا حسین " ص ۲۱۰ و

( ۳۲۴ ) باید جمیع دوستان الیوم یکمال اتحاد و اتفاق  
ظاهر شوند و همچنین به اعمال و اخلاق طیبیه این  
امور در این ظهور جنود نصرت است و لدی العرش  
ناصرین امر محسوب و مذکور .

کتاب " استنساخ آیات " شماره ۳ صفحه ۱۵۱

( ۳۲۵ ) محبت کارهای عجیبه و عظیمه دارد نیت خالص و  
عمل خالص و ظهورات انقطاع و شعونات آن کلّ از این  
مصدر است یعنی از محبت صادر و ظاهر و باهر  
و مشهود . کتاب مائده آسمانی جزء ۴ " لوح جواد " ص ۵۲

( ۳۲۶ ) ای دوستان ندایش را بشنوید به اتحاد و اتفاق  
تمسک نمائید و بجنود اعمال طیبیه و اخلاق مرضیه  
حقّ جلّ جلاله را نصرت کنید .

کتاب " استنساخ آیات " شماره ۴ صفحه ۲۲۸

( ۳۲۷ ) اوّل امری که از معرفت حاصل میشود الفت و اتّفاق عباد است چه که به اتّفاق آفاق عالم منور و روشن و مقصود از اتّفاق اجتماع است و مقصود از اجتماع اعانت یکدیگر و اسبابی که در ظاهر سبب اتّحاد و الفت و وداد و محبّت است بردباری و نیکوکاریست در یکی از الواح به این کلمه علیا نطق نمودیم طوبی از برای نفسی که در لیلی در فراش وارد شود در حالتی که قلبش مطهر است از ضغینه و بغضاء . کتاب اشراقات صفحه ۲۰

( ۳۲۸ ) باکمال اتّحاد بایکدیگر سلوک نمایند به شأنیکه اختلاف و اثنینیت و غیریت از مابین محوشود الا در حدودات مخصوصه ای که در کتب الهیه نازل . کتاب اقتدارات ( لیلۃ الاتّحاد ) ص ۲۱۶

( ۳۲۹ ) بایکدیگر در کمال رحمت و محبّت و رأفت سلوک نمائید اگر خلافتی از نفسی صادر شود عفو فرمائید با کمال حبّ او را متذکر دارید سخت مگیرید و بریکدیگر تکبر و عجب نکنید . از کتاب خطی شماره ۸ صفحه ۵۴

( ۳۳۰ ) در تبلیغ به کلماتی تکلم نمائید که حرارت محبّت الهی از او ظاهر باشد .

از کتاب " امر و خلق " جلد ۳ صفحه ۶۶۴

( ۱۳۳ )

محبت و مهربانی

” حضرت عبد البهاء ”

مهممممممممممم

( ۳۳۱ ) بجان و دل بکوشند تا الفت کلیه و محبت صمیمیه  
و ارتباط روحانیّه در بین قلوب حاصل گردد و جمیع  
بشر از فیض جدید انور در یک صقع جمع و محشور گردند  
نزاع و جدال از جهان برخیزد و محبت و جمال  
ذوالجلال گل را احاطه کند نفاق به وفاق تبدیل  
شود و اختلاف به ائتلاف مبدل گردد بنیسان  
بفضاء برافتد و اساس عداوت منهدم شود نورانیت  
توحید ظلمات تحدید را زائل فرماید و تجلی رحمانی  
قلوب انسانی را معدن محبت رحمانی کند .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۱۸

( ۳۳۲ ) ای یاران الهی وقت آنست که با جمیع ملل بنهایت  
مهربانی الفت نمائید و مظهر رحمت حضرت احدیّت  
شوید جان عالم گردید و روح حیات در هیکل بنی آدم .  
۲۱۹  
کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحات ۲۱۸ و

( ۳۳۳ ) اجتناب و احتراز و خشونت سبب اشمئزاز قلوب و نفوس  
گردد و محبت و ملاطفت و مدارا و ملایمت سبب اقبال

(۱۳۴.)

نفوس و توجه قلوب شود .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۲۲

(۳۳۴) ای احببای الهی اساس ملکوت الهی بر عدل و انصاف و رحم و مروّت و مهربانی به هر نفسی است پس بجان و دل باید بکوشید تا بعالم انسانی من دون استثناء محبت و مهربانی نمائید .

از کتاب " مکاتیب " جلد ۳ صفحه ۲۱۱

(۳۳۵) سیاست الهی مهربانی بجمیع بشر است بسودن استثناء آن سیاست حقیقی است و این روش شایان نفوس مقدسه رحمانیه .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۰۵

(۳۳۶) نظر به اعمال و افعال خلق نکنید بلکه به خالق نظر نمائید جمیع را او خلق نموده است و کلّ آیت قدرت او هستند و چون آیت قدرت او هستند نهایت رعایت را مستحقّند به کلّ مهربان باشید و با جمیع در نهایت صدق و امان آنان آنچه کنند و آنچه روا دارند ضرری ندارد شما باید بالعکس معامله کنید جور را بعدل بفض را به محبت اهانت را به

اعانت مخالفت را بموافقت زهر را بشهد سم را  
به دریاق مقابله کنید .

کتاب "استنساخ آیات" شماره ۸ ص ۱۴۰

۳۳۷) پس احبای الهی باید در عالم وجود رحمت  
ربّ و دود گردند و موهبت غیب و شهود نظر راپاک  
نمایند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر و شجر ایجار  
مشاهده کنند همیشه به این فکر باشند که خیری به  
نفسی رسانند و محبت و رعایتی و مودّت و اعانتی  
به نفسی نمایند . کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۰۵

۳۳۸) احبای الهی باید بدخواه را خیرخواه دانند  
و اهل شقاق را اهل وفاق شمرند بعید را قریب  
بینند و دور را نزدیک شمرند یعنی به دشمن نوعی  
رفتار کنند که سزاوار دوستان است به جفاکار چنان  
معامله نمایند که لایق یار خوش رفتار .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۲۹

۳۳۹) یاران باید به موجب نصایح و وصایای الهی جمیع  
اقوام و طوائف عالم را مهربانی نمایند بلکه جانفشانی  
کنند تا این ظلمات ضدّیت و بغضاء به نورانیّت محبت

رحمانی تبدیل گردد لهذا هرکسی بشما ظلم و جفا کند  
 البته مهر و وفا نمائید تکفیر کند تکریم نمائید  
 طعن و لعن نماید نهایت ملاحظت اجرا دارید .  
 کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۳۱

۳۴ . همیشه تأثرات قلب عبدالبهاء از اغبراریست که  
 در میان احبب<sup>۱</sup> حاصل گردد مصائب خارجه تأثیری  
 ندارد بلایای وارده را حکمی نه زیرا هرچه هست  
 از خارج است توقی<sup>۲</sup> از آنان نیست ولی اگر در میان  
 احبب<sup>۱</sup> رنجش و اغبراری حاصل گردد بینهایت تأثیر  
 دارد من شب و روز به درگاه جمال مبارک عجز و  
 ابتهال مینمایم و ناله و زاری میکنم که ای محبوب یکتا  
 یاران خویش را با یکدیگر آمیزش ده و دوستان را  
 راستان فرما قلوب را ارتباط بخش نفوس را الفت احسان  
 نما تا جمیع بیگانه و خویش فراموش نموده راه تو پویند  
 راز تو گویند و رضای تو جویند . از روی خط اصل .

۳۴۱ ) ای یاران عبدالبهاء در این دور الهی و عصر  
 ربّانی اساس اصلی و مقصد حقیقی وحدت عالم  
 انسانی است تا سبب این اتحاد و اتفاق جمیع  
 منازعات و مخاصمات از بین بشر برخیزد و شاهد



وحدت حقیقیه در انجمن عالم جلوه نماید حال مروج  
 این وحدت باید احبای الهی باشد تا بقوه  
 رحمانی ظلمات بیگانگی را از عالم انسانی زائل نمایند  
 و دلبر یگانگی در نهایت صباحت و ملاحت عرض جمال  
 فرماید اگر چنانچه در میانه خود یاران ادنی اغبراری  
 باشد دیگر چگونه چنین امر عظیم تحقق یابد لهذا  
 باید هر یک از یاران به دل و جان سعی بلیغ فرمایند  
 که ادنی غباری بر آئینه وحدت اصلیه ننشینند و  
 روز بروز محبت و الفت و مؤانست و معاشرت و ملاطفت  
 در بین احباب تزیید یابد .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۴۷

( ۳۴۲ ) تا توانید بایکدیگر عشق ورزید و همدیگر را  
 پرستش نمائید عبدالبهاء همیشه منتظر که خبر محبت  
 و الفت و یگانگی احبای الهی برسد .

از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۸۵

( ۳۴۳ ) بخضوع و خشوع و افتادگی اکتفا نمائید مظهر  
 محویت گردید و فنای محض شوید مهر و وفا و شفقت  
 و محبت نصایح پیشینیان بوده در این دور اعظم اهل  
 بهاء به فدکاری و جانفشانی مأمور عدالت محبوب

( ۱۳۸ )

و مطلوب بوده و هست ولی مؤمنین و مؤمنات در این  
عصر نورانی به این امر مأثور .

از کتاب اخلاق بهائی صفحات ۱۶۲ و ۱۶۳ و  
۱۶۴

( ۳۴۴ ) باید یاران الهی مجذوب و مفتون یکدیگر باشند  
و جانفشانی در حق یکدیگر کنند اگر نفسی از احبب<sup>اء</sup>  
به دیگری برسد مانند آن باشد که تشنه لبی به چشمه  
آب حیات رسد و یا عاشقی به معشوق حقیقی خود  
ملاقات کند . از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۱۶۴

( ۳۴۵ ) اساس دیانت خلوص است یعنی شخص متدین  
باید که از جمیع اغراض شخصی خود گذشته بتائی  
وجه کان در خیریت جمهور بکوشند و ممکن نیست که  
نفوسی از منافع ذاتیه<sup>ه</sup> خود چشم پوشند و خیر خود  
را فدای خیر عموم نمایند الا بتدین حقیقی .

از کتاب امر و خلق جلد ۳ ص ۳۸ و

۴۳۹

\*\*\*\*\*

mmmmmmmm

محبّت و مهربانی  
" حضرت ولیّ امرالله "  
MMMMMMMMMMMMMMMM

( ۳۴۶ ) هر جا وحدت و یگانگی نباشد روح حقیقی  
بهائی وجود ندارد . کتاب نمونه حیات بهائی .

( ۳۴۷ ) اگر ما بهائیان نتوانیم میان خود مان و وحدت  
صمیمانه بر قرار سازیم در اینصورت از تحقق مقصد  
اصلی که حضرت باب و حضرت بهاء الله و حضرت  
مولی الوری حیات خود را وقف آن کرده زجر کشیدند  
محروم خواهیم ماند .

از کتاب نمونه حیات بهائی صفحات ۹۷۸

( ۳۴۸ ) آنچه یاران الهی در هر جا به آن احتیاج دارند  
عشق و علاقه بیشتر نسبت به یکدیگر است و این امر  
از طریق عشق بیشتر نسبت بحضرت بهاء الله محقق  
میگردد زیرا اگر ما حضرت بهاء الله را آنقدر که  
میایست دوست داشته باشیم به اغراض و دعاوی شخصی  
خود اجازه نخواهیم داد که مانع پیشرفت امر افخمش  
گردد در آنصورت آماده خواهیم بود که جان خود را

فدای یکدیگر سازیم تا آئین الهی پیشرفت کند  
و چنانچه حضرت عبدالبهاء فرمودند مانند روحی  
در ابدان متعدد گردد .

از کتاب نمونه حیات بهائی ص ۳۵ و ۳۶

۳۴۹) نمیدانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص  
نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقق این امر  
منوط به سعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی  
از ایام است . وظیفه و افتخار ما آنست که عشق و  
اخلاص خود را نسبت به امر محبوب بمرحله فعل  
در آوریم بطوریکه مودی بخیر و صلاح نوع بشر بشود .

از کتاب نمونه حیات بهائی ص ۷

۳۵۰) اگر بین یاران محبت حقیقی که منبعث از محبت  
الله باشد ظاهر و حکم فرما گردد پیشرفت امرالله  
سریعتر خواهد شد محبت میزانی است که یاران  
باید در مناسبات و رفتار خویش با یکدیگر مجری  
دارند . از کتاب اخلاق بهائی صفحه ۱۶۵

۳۵۱) مهمترین موضوع آنست که محبت و یگانگی بایستی  
حاکم بر جامعه بهائی باشد و این درست همان چیزی

که همگی مردم جهان مظلوم امروز در جستجوی آنند .  
حرف بدون عمل هیچگاه قادر نخواهد بود که روح  
امید بقلوب این نسل نو امید و بدبین بدمد .  
کتاب نمونه حیات بهائی ص ۳۳

۳۵۲ ) محبت بیکدیگر و احساس واقعی این موضوع که  
ما یک ترکیب جدید و مطلع انوار در افق جدید و یک  
نظام جدید جهانی هستیم میبایستی حیات بهائی ما  
را مداوما سیراب سازد و ما باید دعا کنیم که از آلودگی  
جامعه ای که هر روز مبتلای تعصبات میشود برکنار و  
مصون بمانیم .

از کتاب " نمونه حیات بهائی " ص ۳۹

۳۵۳ ) بدون عشق حقیقی نسبت بحضرت بهاء الله و شریعة  
سمحه الهی و مؤسّسات آن و نیز عشق و محبت افراد  
بهائی نسبت بیکدیگر امرالله در حقیقت هرگز قسا در  
نخواهد بود که افراد کثیری را در ظل لوای خود وارد  
سازد زیرا آنچه دنیا طالب آنست موعظه و وضع قانون  
نیست بلکه محبت و عمل است .

از کتاب " نمونه حیات بهائی " صفحه ۴۶

۳۵۴) ما پاسداران نیروهای مخالف نفرت و تعصب یعنی محبت و اتحاد و صلح و یگانگی هستیم و بایستی شبانه روز بیدار باشیم مبادا فرداً و یا جمعاً وسیله انتقال این نیروهای مخرب و منفی بداخل جامعه خویش گردیم بعبارت دیگر بایستی هشیار باشیم تا مبادا تباهی جامعه خارج بلا اراده در رفتار و نظرات ما منعکس و موثر گردد .

از کتاب نمونه حیات بهائی صفحه ۳۸

۳۵۵) بهائیان باید سعی کنند که روحاً و فکرآً من جمیع الجهات جامع و طبیعی و متعادل باشند ما نباید طوری رفتار کنیم که دیگران ما را متعصب بینگارند ولی در عین حال نبایستی از اصول و موازین دیانت خود سرپیچی و تمرد نمائیم .

از کتاب نمونه حیات بهائی صفحه ۳۵

۳۵۶) محبتی که ما نسبت بدیگران ابراز میداریم رفیق و مدارا و تفاهم و علاقه بكمك بسایرین بهترین راه تبلیغ امر الهیست وقتی که آنها این آثار را در زندگی ما ببینند بشوق خواهند آمد که درباره امر نیز تفحص نمایند . از کتاب نمونه حیات بهائی صفحه ۲۵

۳۵۷) آنچه که امروز دینا بآن احتیاج دارد روح بهائی است مردم تشنهٔ محبت و خواهان اصول عالییه ای هستند که به آن تمسک جویند و مشکلات عظیم خود را رفع نمایند احباء باید بهرکسی که برخورد میکنند روح نباض و پر محبت امر را القاء نمایند و اگر این خصلت با تبلیغ توأم گردد محققاً افراد صمیمی و متحرران حقیقت را به امر جلب خواهد نمود.

از کتاب نمونهٔ حیات بهائی ص ۲۷ و ۲۸

۳۵۸) مردم هرگز امر عزیز الهی را نخواهند پذیرفت مگر آنکه در جامعهٔ امر درست همان چیزی را بیابند که جهان امروز فاقد و عاری از آنست یعنی محبت و یگانگی.

از کتاب نمونهٔ حیات بهائی صفحهٔ ۳۳

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

مصاحبت ابرار

” آشار قلم اعلى ”  
مممممممممممم

۳۵۹) زینهار ای پسر خاک با اشرار الفت مگیرو  
موانست مجو که مجالست اشرار نور جان را به نار  
حسبان تبدیل نماید .

کلمات مکنونه

۳۶۰) ای پسر من صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت  
ابرار زنگ دل بزدايد من اراد ان یأنس مع اللّٰه  
فلیأنس مع احبائه و من اراد ان یسمى کلام اللّٰه  
فلیسمع کلمات اصفیائه .

کلمات مکنونه

۳۶۱) در اقلیم فساد پا نگذارید و در عرصه جدال  
و نزاع قدم ننهید بجنود صبر و تسلیم و اخلاق و اعمال  
طییه و کلمات بدیعۀ منیعۀ حقّ جلّ جلاله را نصرت  
نمائید .

از کتاب استنساخ آیات شماره ۳ صفحات



۳۶۲) یا حزب الله و اولیائه و اصفیائه آنچه را که  
 از آن راحه فساد استشمام شود از آن اجتناب  
 نمائید و بطراز صبر و اصطبار خود را مزین دارید  
 لعمر الله حقوق اعمال شما باطل نشده و نمیشود  
 و نزد امین مکتون و مخزونست افرحوا بهذه الکلمة التی  
 لا تعادلها کلمات العالم یشهد بذلك مالک القدم  
 فی هذا السّجن المبین .

کتاب خطی شماره ۱۸ لوح آقا محمد حسن

بلور فروش صفحه ۶ / ۳۴۰

۳۶۳) ای دوست در روضه<sup>۴</sup> قلب جز گل عشق مکار  
 و از نیل بلبل حبّ و شوق دست مدار مصاحبت  
 ابرار را غنیمت دان و از مراقت اشرار دست و دل هر  
 دو بردار .  
 کلمات مکنونه

۳۶۴) ای پسر کنیز من اگر فیض روح القدس طلبی با  
 احرار مصاحب شود زیرا که ابرار جام باقی از کف  
 ساقی خلد نوشیده اند و قلب مردگان را چون صبح  
 صادق زنده و منیر و روشن نمایند .

کلمات مکنونه

(۱۴۶)

— ای بنده یزدان هر دستور که تو را از این نثار  
که حقیقت نور و سرّ ظهور است دور مینماید  
او دشمن تو است بگفتار اغیار از یار مهربان  
دور ممان و از سخن دشمن از دوست مگذر.  
مجموعه الواح مبارکه صفحه ۲۴۹

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

\*

مصاحبت ابرار

" حضرت عبدالبهاء "

مممممممممممممممممم

۳۶۵) آفت انسان الفت با بی خردان و کلفت اهل عرفان است چه معاشرت سرایت نماید .

کتاب " امر و خلق " جلد ۳ صفحه ۸۴

۳۶۶) هر نفسی مشاهده کنید که زره حرکت نالایقی دارد و یا راحه غیر تقدیس از او استشمام میشود البتّه فوراً احتراز نمائید و تجنّب کنید زیرا ضرر امرالله در تقرب به آن است چه که نفوسی پیدا شده اند که اسیر نفس و هوی هستند و نام حق بر زبان میرانند این نفوس در امرالله از سمّ قاتل بدتر و بسّیاری احتیاط لازم است .

کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحات ۸۴ و ۸۵

۲۶۷) در جواب سئوال از چگونگی معاشرت با

اشخاص بد عمل قوله المبین :

" آن نیز دو قسم است قسمی ضررش بخود صاحب

عمل راجع است و متعددی نیست البتّه بایست

به حکمت شخص بد عمل را آگاه و تربیت نمود  
مریض است باید او را شفا داد اما قسمی که  
ضرر به دیگران میبرد و معاشرت با چنان  
اشخاص سبب سوء اخلاق میشود در این صورت  
حشر با آن نفوس جائز نه .  
کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۸۵

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

\*\*

وفا

” آثار قلم اعلى ”  
مممممممممم

( ٣٦٨ ) تمسكوا بحبل الوفاء على شأن لا تمنعكم همزات  
الذين كفروا بالله رب العالمين هذه جنّة  
لها انهار تجري في ظلال هذه السّدرة التّي  
ارتفعت بالحقّ انه لهو النّاطق البصير . نهر  
سمّى بالوفا من شرب منه انه فاز بالاستقامة الكبرى  
يشهد بذلك قلمي العزيز وانه يجد نفسه على مقام  
لا تمنعه الاسماء عن مالکها ولا المسمى عن صراط  
المستقيم .

کتاب اقدس چاپ هند ( لوح عندليب )

ص ٣٥٥

( ٣٦٩ ) انّ الذين وفوا بعهودهم وعقودهم ونذورهم  
وادوا امانات الله وحقوقه انهم من اهل الفردوس  
الاعلى كذلك يشرهم المظلوم في سجنه العظيم  
طوبى لعباد فازوا ولا ماء فزن ولكل من تمسك  
بالمعروف وعمل ما امر به في كتاب الله رب العالمين .

کتاب خطی شماره ١٢ ص ٢٥٢ و ٢٥٣

۳۷۰) اصحاب صفا و وفا باید با جمیع اهل عالم

به روح و ریحان معاشرت نمایند .

طرازات صفحه ۱۵۰

۳۷۱) بدان که ملکوت وفا را قبل از جبروت اسماء

بسلطان اراده خلق فرمودیم لهذا وفا عند الله

احب از کل اسم بوده و خواهد بود .

کتاب خطی استامبول صفحه ۱۶۶

۳۷۲) یا محبوب فوادی از جمیع مراتب گذشته وفا

شجر مبارکی است اثمارش محبوب و آثارش باقی

و دائم اگر خوب ملاحظه شود اوست قائد جنود

حب و اوست پیشرو اهل و د و راستی .

کتاب استنساخ آیات شماره ۳ ص ۸۱

۳۷۳) در کل احوال بذكر الله مشغول باش و با احبابش

مأنوس همیشه در نظر بوده و انشاء الله خواهی

بود چه که حق با وفا بوده و وفا را دوست داشته

و میدارد .

الواح خطی صفحات ۲۷۹ و ۲۸۰

۳۷۴) حقّ جلّ و جلاله وفا را دوست داشته و دارد  
و اوست طراز هیاکل مخلصین و مقربین و مقدّسین .

کتاب استنساخ آیات شماره ۱ ص ۱۳۴

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*

\*

## وفا

" حضرت عبدالبهاء "

مهممممممم

( ۳۷۵ ) الیوم مقرب درگاه کبریا نفسی است که جام وفا بخشد و اعداء را در عطا مبدول دارد حتی ستمگر بیچاره را دستگیر شود و هر خصم لود را یار و دود . کتاب امر و خلق جلد ۳ صفحه ۲۰۶

( ۳۷۶ ) نفوسی که راعه محبت جمال مبارک در مشام دارند از هیچ نفعه ای جز راعه گلشن وفا استنشاق نمایند . از جزوه تجزیه آیات ( لوح جناب یوسفخان ) ص ۸

( ۳۷۷ ) بجمیع نوع انسان باید وفا پرور و مهربان بود . کتاب استنساخ الواح شماره ۴ صفحه ۹۹

( ۳۷۸ ) ای میر وفا در عالم وجود صفتی بهتر و خوشتر و شیرین تر از وفا نیست این منقبت از اعظم اساس دین الهیست اگر انسان از جمیع صفات حمیده محروم باشد ولی باین صفت قدسیه موصوف عاقبت حائز کمالات میگردد و اگر چنانچه حائز جمیع صفات کمالیه باشد و از صفت وفا بی بهره آن کمال بنقص مبدل گردد و آن خیر به شر و آن نورانیّت به ظلمت و آن عزّت به ذلت منتهی شود . الحمد لله تو پیر وفائی آرزوی من آنست که میر وفا گردی . از کتاب اخلاق بهائی صفحات ۲۵۸ و ۲۵۹



## فهرست عناوین

|     |      |                              |
|-----|------|------------------------------|
| ۵   | صفحه | ۱- احتراز از غیبت و عیب جوئی |
| ۱۲  | "    | ۲- اخلاق و اعمال حسنه        |
| ۴۰  | "    | ۳- آداب اجتماع بهائی         |
| ۴۴  | "    | ۴- ادب                       |
| ۴۹  | "    | ۵- امانت                     |
| ۶۷  | "    | ۶- انقطاع                    |
| ۷۳  | "    | ۷- تربیت                     |
| ۸۰  | "    | ۸- تقدیس و تنزیه             |
| ۹۱  | "    | ۹- تقوی                      |
| ۹۴  | "    | ۱۰- حیات عائله بهائی         |
| ۹۹  | "    | ۱۱- خدمت خلق                 |
| ۱۰۸ | "    | ۱۲- صدق و انصاف              |
| ۱۱۶ | "    | ۱۳- عدم مداخله در سیاست      |
| ۱۲۲ | "    | ۱۴- عفت و عصمت               |
| ۱۲۸ | "    | ۱۵- محبت و مهربانی           |
| ۱۴۴ | ۱۴۴" | ۱۶- مصاحبت ابرار             |
| ۱۴۹ | ۱۴۹" | ۱۷- وفا                      |